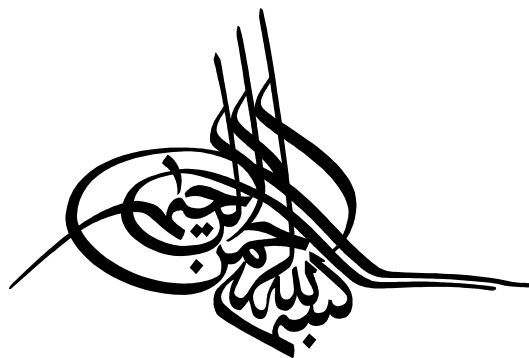




روانشناسی رشد

سری کتابهای کمک آموزشی کارشناسی ارشد

مجموعه روانشناسی
مؤلف: گروه مولفین ماهان

روان‌شناسی رشد / گروه مولفین ماهان

مشاوران صعود ماهان،

۳۳۶ ص: جدول، نمودار (آمادگی آزمون کارشناسی ارشد)

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۶۶-۲۴-۷

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

فارسی - چاپ اول

۱- روان‌شناسی رشد

۳- آزمون دوره‌های تحصیلات تکمیلی

گروه مولفین ماهان

ج - عنوان

۲۳ ت ۳۴۷ الف/۲۳۵۳ LB

رده‌بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

۳۷۸/۱۶۶۴

۳۴۸۰۹۷۲

مؤسسه آموزش عالی اژاد



نام کتاب: روان‌شناسی رشد

مؤلف: گروه مولفین ماهان

مدیرمسئول: مجید سیاری

مدیر تولید: سمیه بیگی

ناشر: مشاوران صعود ماهان

نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۴۰۴

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۶/۶۲۰/۰۰۰ ریال

شابک: ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۶۶-۲۴-۷

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری،

روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰

تلفن: ۸۸۱۰۱۱۳-۴

سخن ناشر

آیا آنانکه می‌دانند با آنانکه نمی‌دانند برابرند؟ (قرآن کریم)

پس از حمد و سپاس و ستایش به درگاه بی‌همتای احدیت و درود بر محمد مصطفی، عالی نمونه بشریت که در تاریخ دور تاریخ، بنا به فرمان نافذ صمدیت از میان مردمی برخاست که خود بودند در پست‌ترین حد توحش و ضلال و بربریت و آنگاه با قوانین شامل خویش هم ایشان را راهبری نمود و رهانید از بدویت و استعانت جوییم از قرآن کریم، کتابی که هست جاودانه و بی‌نقص تا ابدیت.

کتابی که در دست دارید آخرین ویرایش از مجموعه کتب خودآموز مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان است که بر مبنای خلاصه درس و تأکید بر نکات مهم و کلیدی و تنوع پرسش‌های چهار گزینه‌ای جمع‌آوری شده است. در این ویرایش ضمن توجه کامل به آخرین تغییرات در سرفصل‌های تعیین شده جهت آزمون‌های ارشد تلاش گردیده است که مطالب از منابع مختلف معتبر و مورد تأکید طراحان ارشد با ذکر مثال‌های متعدد بصورت پرسش‌های چهار گزینه‌ای با کلید و در صورت لزوم تشریح کامل ارائه گردد تا دانشجویان گرامی را از مراجعه به سایر منابع مشابه بی‌نیاز نماید.

لازم به ذکر است شرکت در آزمون‌های آزمایشی ماهان که در جامعه آماری گسترده و در سطح کشور برگزار می‌گردد می‌تواند محک جدی برای عزیزان دانشجو باشد تا نقاط ضعف احتمالی خود را بیابند و با مرور مجدد مطالب این کتاب، آنها را برطرف سازند که تجربه سال‌های مختلف موکد این مسیر به‌عنوان مطمئن‌ترین راه برای موفقیت می‌باشد.

لازم به ذکر است از پورتال ماهان به آدرس www.mahanportal.ir می‌توانید خدمات پشتیبانی را دریافت دارید. و نیز بر خود می‌بالیم که همه ساله میزان تطبیق مطالب این کتاب با سؤالات آزمون‌های ارشد- که از شاخصه‌های مهم ارزیابی کیفی این کتاب‌ها می‌باشد- ما را در محضر شما سربلند می‌نماید.

در خاتمه بر خود واجب می‌دانیم که از همه اساتید بزرگوار و دانشجویان ارجمند از سراسر کشور و حتی خارج از کشور و همه همکاران گرامی که با ارائه نقطه نظرات سازنده خود ما را در پربارتر کردن ویرایش جدید این کتاب یاری نمودند سپاسگزاری نموده و به پاس تلاش‌های بی‌چشمداشت، این کتاب را به محضرشان تقدیم نماییم.

مؤسسه آموزش عالی آزاد ماهان
معاونت آموزش

سخن مؤلف

گفت: ببینید ماشاءالله بچه من چقدر خوب حرف می‌زند. گاهی حرف‌هایی بزرگتر از سنش ... مثل آدم بزرگ‌ها حرف می‌زند...

گفتم: آدم وقتی درد می‌کشد بزرگ می‌شود ... بزرگ‌تر از سنش.....

و این قصه آغاز و انجام رشد روانی انسان است. "رشد روانی از درد می‌گذرد". درد ورود ناخواسته به این جهان پهناور... درد نیازمند بودن و محروم شدن... درد شکست... درد از دست دادن... در تمامی تجارب تلخ و شیرین... درد رها شدن از دنیای خیال و درد ورود به دنیای واقعیت... درد آگاه شدن.....

با مطالعه دقیق کتاب حاضر به خوبی خواهید فهمید که در سرتاسر نظریات ارزشمندی که حوزه رشد روانی انسان را مورد بحث قرار داده‌اند، روند حرکت از زندگی کردن در دنیای شخصی و بدون مسئولیت یک نوزاد تازه متولد شده به سمت زندگی مسئولانه در یک بستر اجتماعی قانونمند است. یقیناً گذر موفق از این مسیر پر پیچ و خم و شکل دادن به شخصیتی پخته که توانایی سازگار شدن با زندگی جمعی انسانی را داشته باشد مستلزم صرف نظر کردن از بخشی از خواسته‌های بسیار لذت‌بخشی است که نوع آدمی خواهان برآورده شدن آنهاست. خواسته‌هایی که نوعاً در تضاد و تعارض با نیازها و اقتضائات جوامع انسانی هستند و در کش و قوس برقراری تعادل بین همین نیازها و خصایص بنیادی، نیازها و خواسته‌های واقعیت بیرونیست که دنیای روانی انسان در نهایی‌ترین شکل خود فرم می‌گیرد.

آنچه که در اعصار و قرون متمادی مورد توجه نظام‌های آموزشی و پرورشی تمامی جوامع انسانی بوده است، تربیت شهروندی‌ست که بهترین عملکرد را برای سیستمی که در آن زندگی می‌کند، داشته باشد. آنچه دهه‌های اخیر را از صدها و هزاره‌های پیش از آن متمایز می‌کند، تلاش نظام‌دار و مبتنی بر شواهد قابل اتکا در این دوران برای بررسی ماهیت و روند رشد روانی و اجتماعی انسان و فهم علمی فرایند شکل‌گیری روان است تا بتوان مناسب‌ترین بستر را برای رشد و پرورش تمامی انسان‌ها فراهم آورد. بستری که درد بزرگ شدن را از رنج‌های بی پایه و اساس تحمیلی بر روند طبیعی رشد عاری نماید و توان تحمل این درد بهنجار را به حداکثر برساند.

هرچند در این کتاب نگاه اصلی معطوف به هموار ساختن راه داوطلبین کنکور دانشگاه‌های سراسری و آزاد رشته‌های روانشناسی و علوم تربیتی است، اما تلاش شده است تا این کتاب ساختاری علمی داشته باشد و قابلیت ایجاد فهم و درک نظریات مختلف ارائه شده را نیز برای دانشجو فراهم آورد. امید است تا با مطالعه مباحث آن بتوانید گام‌های موثری برای موفقیت در هر دو بستر تحصیلی و زندگی شخصی خویش بردارید.

با تشکر

فصل اول: تاریخچه روان‌شناسی رشد	۷
فصل دوم: روانکاوی فروید	۲۵
فصل سوم: اریکسون	۴۱
فصل چهارم: پیاژه	۵۷
فصل پنجم: کلبِرگ	۹۷
فصل ششم: کردارشناسی	۱۰۷
فصل هفتم: گزل	۱۲۳
فصل هشتم: والن	۱۳۱
فصل نهم: سیستم‌های بوم‌شناختی	۱۴۱
فصل دهم: لئون تیف	۱۴۵
فصل یازدهم: اشپیتز	۱۵۱
فصل دوازدهم: آنا فروید	۱۵۷
فصل سیزدهم: ویگوتسکی	۱۶۷
فصل چهاردهم: زبان	۱۷۵
فصل پانزدهم: بازی و تقلید	۱۸۳
فصل شانزدهم: پردازش اطلاعات	۱۹۳
فصل هفدهم: ماهرلر	۱۹۹
فصل هجدهم: مبانی زیست‌شناختی و محیطی رفتار	۲۰۵
فصل نوزدهم: رشد پیش از تولد تا پیری	۲۱۵
سوالات کنکور سراسری ۱۴۰۰ - ۱۴۰۴	۳۰۹

فصل اول

تاریخچه روان‌شناسی رشد

- ♦ فلسفه کودکی
- ♦ فلسفه بزرگسالی و پیری
- ♦ نظریه‌های رشد
- ♦ پیوستگی / ناپیوستگی رشد
- ♦ جریان رشد

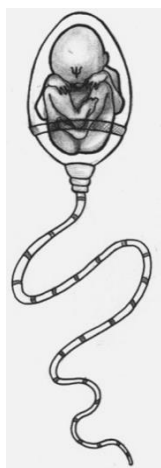
فصل اول

تاریخچه روان‌شناسی رشد

روان‌شناسی رشد^۱ شاخه‌ای از روان‌شناسی است که به مطالعه علمی تغییرات مختلف جسمانی، روانی، عاطفی، هیجانی، شناختی و رفتار اجتماعی انسان، از لحظه انعقاد نطفه تا مرگ می‌پردازد. هدف روان‌شناسی رشد توضیح، توصیف و پیش‌بینی رفتار است. روان‌شناسی رشد هم مانند علوم **بنیادی** به کشف یافته‌های علمی صرف می‌پردازد و هم مانند علوم **کاربردی** در پی پاسخگویی و یافتن راه‌حل‌های مناسب جهت مسائلی که در زندگی روزمره انسان‌ها مورد اهمیت هستند می‌باشد. گستردگی بسیار زیاد موضوعات و مسائل مربوط به رشد انسان سبب شده تا این حوزه تبدیل به حوزه‌ای **میان‌رشته‌ای** گردد که دانشمندان زیادی از جمله روانشناسان، جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، زیست‌شناسان و... را گرد هم آورده است.

تاریخچه روان‌شناسی رشد

فلسفه کودکی



فلیپ آریه دانشمند فرانسوی توضیح داده است که در قرون وسطی (قرون ۶ تا ۱۵) کودکان را به صورت مینیاتور بزرگسالان می‌نگریستند. اعتقاد عمومی در آن دوران این بود که کودکان همان بزرگسالانی هستند که از پیش شکل گرفته‌اند و فقط در سبب و اندازه با بزرگسالان تفاوت دارند. این تصویر بیش از همه در زمینه روان‌شناسی قابل مشاهده بود. بسیاری از دانشمندان در طی اعصار و قرون متمادی گمان می‌کردند که در هنگام باردار شدن، یک آدم کوچولو کاملاً شکل گرفته در شکم زن قرار می‌گیرد و در طی دوران حاملگی فقط در سبب و اندازه بزرگ می‌شود. این نظریه به **فرم‌یافتگی پیشین (پیش‌ساخت‌گرایی)**^۲ معروف است. نگاه پیش‌ساخت‌گرایانه ابتدا در روان‌شناسی رواج یافت. این نگاه دست کم از قرن پنجم تا قرن هجدهم که بررسی‌های میکروسکوپی باطل بودن آن را به اثبات رساند در روان‌شناسی رواج داشته است. آریه همچنین مطرح نمود که در زندگی اجتماعی نیز با کودکان مانند بزرگسالان رفتار می‌شد. البته تا حدودی نسبت به آسیب‌پذیری کودکان آگاهی وجود داشت، اما فلسفه‌ای مبنی بر این که کودکی یک دوره رشدی کاملاً متفاوت با بزرگسالی است وجود نداشت.

1- Developmental psychology

برخی اساتید پیشگام در ایران این اصطلاح را به "روان‌شناسی ژنتیک" ترجمه کرده‌اند که در این عبارت ژنتیک به پدیدآیی و تحول فرایندهای روانی اشاره دارد و نزدیک‌ترین معادل برای آن اصطلاح "تحولی" می‌باشد. پس در این معنی، روان‌شناسی ژنتیک یا تحولی به مساله مبنا و تحول توجه دارد، چه در فرد چه در نوع. فروید، گزل و والون را باید نخستین پیشگامان روان‌شناسی ژنتیک در ابتدای قرن بیستم دانست، اما کسی که این حوزه را گسترش داد و آن را به علم تحول فرایندهای روانی تبدیل کرد پیازه بود.

2- Preformation theory

در قرن ۱۶ و با غلبه پیدا کردن تفکرات پروتستانیزم (علی‌الخصوص پیوریتان‌ها) فلسفه تربیتی رایج این بود که انسان به علت ارتکاب **به گناه نخستین** ناپاک است و برای تطهیر و رام کردن او باید از همان کودکی از شیوه‌های تربیتی خشن و محدودکننده استفاده کرد. اما از آنجا که شیوه‌های تنبیهی رایج با عشق و علاقه ذاتی والدین نسبت به فرزندانشان در تضاد قرار داشت، والدین تلاش می‌کردند تا در فرزندانشان **عقل** ایجاد کنند تا هم بتوانند درست را از نادرست تشخیص دهند و هم بتوانند در مقابل وسوسه‌های شیطان مقاومت نمایند.

با وقوع رنسانس در اروپا و آغاز عصر روشنگری در قرن ۱۷، فلسفه تربیتی رایج، مبتنی بر آرمانهایی چون عزت و شرف انسان شد. در این دوران دو رویکرد بنیادین به رشد انسان عرضه شد که پایه و اساس تمامی نظرات رشد در دوره‌های آینده را شکل داد:

۱- محیط‌گرایی^۱ (تجربه‌گرایی) جان لاک، و ۲- طبیعت‌گرایی رمانتیک^۲ (رشد‌گرایی) ژان ژاک روسو.

جان لاک

لاک کار خود را با ردّ نظریه‌های فطری‌نگر آغاز نمود. وی با مطرح نمودن استعاره **لوح سفید** ابراز داشت که کودکان در ابتدا نه خیر هستند و نه شرّ و اندیشه‌هایی مانند حقایق ریاضی یا اعتقاد به خدا قبل از آغاز تجربه در ذهن وجود ندارند؛ بلکه ذهن مانند لوحی سفید است که هیچ چیزی بر آن نوشته نشده و والدین می‌توانند هر آنچه که می‌خواهند بر آن بنویسند. نظریات لاک منجر به شکل‌گیری رویکرد رفتارگرایی در قرن بیستم شد که سهم به‌سزایی در توصیف و تبیین مسیر رشد روانی انسان به خود اختصاص داده است. لاک با جانب‌داری از نقش عوامل محیطی در دوگانه طبیعت/تربیت اعلام نمود که کودکان در ابتدا هیچ چیز نیستند و این **تجربه‌های محیطی** هستند که انسان را شکل می‌دهند. تجربه‌های محیطی از طریق کانال‌های تداعی، تکرار، تقلید، و از همه مهم‌تر تنبیه و پاداش یادگیری‌های جدید را موجب شده و رفتار ما را شکل می‌دهند.

لاک معتقد بود که هدف اصلی تعلیم و تربیت، خویش‌داری یا کنترل خود می‌باشد و برای ایجاد خویش‌داری، ابتدا باید به سلامت کودک توجه کرد. وی با تنبیه بدنی مخالف بود، تنبیه بدنی اغلب تداعی‌های نامطلوب ایجاد می‌کند و غالباً بی اثر است و معتقد بود تنها باید به رفتار منطقی پاداش داد، علاوه بر این هر نوع پاداشی هم مطلوب نیست، لاک استفاده از پول و آب‌نبات را به‌عنوان پاداش درست نمی‌دانست، زیرا این موارد باعث لطمه به هدف اصلی یادگیری که جلوگیری از هوس‌ها و تسلیم به عقل است می‌شود. بهترین پاداش، تمجید و ستایش و بهترین تنبیه نیز عدم قبول و ابراز نارضایتی است.

لاک معتقد است بیشتر والدین قواعد بی‌شماری را وضع می‌کنند، زمانی که کودک از این قوانین سرپیچی کند او را تنبیه می‌کنند. کودکان در فهم قوانین مجدد دشواری فراوان دارند، لاک برای جانشین قواعد و دستورهای دو راه پیشنهاد می‌کند:

۱- از طریق الگو و نمونه به آنها مسایل را یاد بدهند.

۲- کودکان را مجبور کنند رفتار مطلوب را تمرین کنند.

لاک رشد را فرایندی **پیوسته** می‌دانست. وی به **دوره‌های متعدد رشدی** و **تغییر در سنین بعد** باور داشت، و کودکان را به صورت موجوداتی **منفعل** در نظر می‌گرفت که در شکل دادن سرنوشت خود نقش کمی دارند.

ژان ژاک روسو

روسو بر خلاف لاک اعتقاد داشت که نوزاد انسان موجودی شریف و رام نشده است و در وی حس تشخیص درست و غلط به ودیعه گذاشته شده است. به اعتقاد وی طبیعت طوری آنها را برنامه‌ریزی کرده است که مثبت رشد کنند. روسو بر این عقیده استوار بود که تمام صفات خوب ذاتی هستند و به صورت طبیعی در فرد رشد می‌کنند و هر اقدامی از سوی بزرگسالان برای آموزش و یاد دادن به کودکان تنها مداخله‌ای بیجا در رشد آنان است که سبب به انحراف کشیده شدن درک اخلاقی فطری آنها می‌شود. او برای توصیف این وضعیت از اصطلاح وحشی‌های بزرگوار^۳ (وحشی‌های اصیل) استفاده نمود.

وی در کتاب **امیل** فلسفه تربیتی خود را که فلسفه‌ای **کودک‌مدار** بود مطرح نمود و عنوان داشت که والدین باید در دوره‌های مختلف رشدی کودک، خود را با نیازهای وی هماهنگ سازند. یعنی کودک باید به **طبیعت** خود واگذار شود تا تربیت صحیح صورت گیرد.

1- environmentalism

2- romantic naturalism

3- Noble savages

نظرات روسو دو مفهوم بسیار مهم در رشد را مطرح نمود که در آینده به تفصیل به آنها خواهیم پرداخت:

مرحله^۱ ← شیوه‌ای خاص از تفکر، احساس و رفتار در یک مقطع زمانی مشخص^۲

رشد (پختگی/ نمو یافتگی/ نشو و نما/ عصبی- اندامی/ بالیدگی)^۳ ← تغییرات منظم و از پیش برنامه‌ریزی شده ژنتیکی که به‌طور طبیعی در فرایند رشد ظاهر می‌شوند و قابلیت یادگیری‌های جدید را در فرد به‌وجود می‌آورند. این دو مفهوم را می‌توان به این گونه جمع‌بندی نمود که وی رشد را به صورت فرایندی **ناپیوسته (مرحله‌ای)** در نظر داشت و معتقد بود که رشد از **یک روند** واحد و یکپارچه پیروی می‌نماید.

فلسفه بزرگسالی و پیری

به تاثیر از نظرات روسو، دو فیلسوف آلمانی به نام‌های نیکولاس تتنس و فردریک اگوست کاروس، اعلام داشتند که فرایندهای رشدی بزرگسالی نیز باید مورد توجه قرار گیرند. نظرات این دو را می‌توان به‌عنوان اولین دیدگاه‌های عمر در نظر گرفت.

تتنس

به بررسی علت‌ها و وسعت تفاوت‌های فردی، میزانی که رفتار در بزرگسالی می‌تواند تغییر کند و تاثیر دوره تاریخی بر روند زندگی پرداخت. اعلام داشت که دمانس (زوال عقل) پیری را می‌توان جبران کرد. در مورد ضعف یا کندی حافظه نیز اعلام داشت که این امر می‌تواند ناشی از این باشد که کهنسالان باید در بین حجم بسیار گسترده‌ای از مطالب دنبال مطلب مورد نظر خود باشند. پیری را هم به صورت زوال و هم به صورت پیشرفت در نظر می‌گرفت.

کاروس

کاروس ۴ دوره رشدی را برای زندگی مطرح نمود: کودکی، جوانی، بزرگسالی و پیری. او مباحثی چون چند جهتی بودن و شکل‌پذیری رشد را پی‌ریزی نمود. او پیری را هم به صورت زوال، و هم به صورت پیشرفت در نظر می‌گرفت.

سرآغاز علمی

در باب مطالعه علمی کودک می‌توان مطالب بسیاری را مطرح نمود که از حوصله این کتاب خارج است و ما تنها اختصاراً به سه رخداد اساسی می‌پردازیم: نظریه تکامل داروین، مطالعات هنجاری هال و گزل و جنبش آزمون‌گیری روانی. از چارلز داروین، نظریه‌پرداز شهیر بریتانیایی، به‌عنوان **پیشگام مطالعه علمی کودک^۴** نام برده می‌شود. وی در راستای مطالعاتی که جهت ارائه **نظریه تکامل** خود انجام داد، با تاکید بر اهمیت **مشاهده علمی** در جمع‌آوری داده‌ها اقدام به ثبت روزانه روند رشد فرزندان خود کرد و به نوعی سبب‌ساز شکل‌گیری این اندیشه شد که رشد کودک انسان از همان برنامه کلی تکامل گونه انسان پیروی می‌کند (پدیده‌ای که توسط ارنست هگل **باززیستی^۵** یا قانون زیست‌زادی^۶ نام گرفت). با اینکه در نهایت معلوم شد که این عقیده غلط است، تلاش‌هایی که برای شبیه دانستن رشد کودک و گونه انسان صورت گرفت، پژوهشگران را ترغیب کرد تا تمام جنبه‌های رفتار کودکان را به دقت مشاهده کنند.

جی استانلی هال (**بنیانگذار جنبش مطالعه کودک**) و شاگرد معروفش آرنولد گزل (**پدر روان‌شناسی کودک**)، اولین **مطالعات هنجاری** در مورد کودک را عرضه نمودند. استانلی هال، تحقیقات خود را بر پایه روان‌شناسی تکوینی بنا نمود و به اصول زیستی بیشتر توجه کرد و جنبه‌های مختلف رشد را از دوره کودکستان تا دانشگاه مورد بررسی قرار داد. گزل اولین کسی بود که اقدام به هنجاریابی ویژگی‌های رشدی (مانند پیشرفت‌های حرکتی، رفتارهای اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی نوباوگان و کودکان) نمود.

1- Stage

۲- روسو ۴ مرحله (نوباوگی، کودکی، اواخر کودکی، نوجوانی) را در رشد انسان نام برد و معتقد بود این مراحل بازنمای مراحل تکامل عمومی گونه انسان است.

3- Maturation

4- forefather of scientific child study

5- recapitulation

6- biogenic law

وی با استفاده از روش‌های مختلف سنجشی، نورم‌هایی را برای کودکان و نوجوانان سنین مختلف ارائه داد. به اعتقاد وی با دانستن سن یک فرد می‌توان ویژگی‌های جسمانی، روانی و رفتاری وی را تخمین زد. وی در هنجاریابی و دستیابی به نیمرخ رفتار ۱۰ مولفه را در نظر داشت:

- ۱- زمینه حرکتی
 - ۲- مساله بهداشت جهانی
 - ۳- جلوه‌ها یا تظاهرات هیجانی
 - ۴- مسائل مربوط به ترس و خواب‌دیده‌ها ← در ماه‌های اول مهم نیستند، ولی با گسترش جنبه‌های تجسمی بسیار مهم می‌شوند و در سه تا شش سالگی به اوج می‌رسند.
 - ۵- سن و جنس ← به صورت جداگانه در نیمرخ لحاظ می‌شوند.
 - ۶- روابط اجتماعی کودک
 - ۷- بازی‌ها و وقت‌گذرانی‌ها
 - ۸- زندگی آموزشی
 - ۹- تحول حس اخلاقی کودک
 - ۱۰- دید فلسفی و یا مفهوم جهان از نظر کودک ← به منزله دید تحولی‌نگری در تدوین رفتار است. گزل نیمرخ هر مرحله را با تصویری که کودک از خود و جهان دارد به پایان می‌برد.
- گزل و هال بر این باور بودند که فرایند رشد آدمی طبق یک جدول زمان‌بندی شده که حاصل میلیون‌ها سال تکامل است به پیش می‌رود و کمتر تحت تاثیر محیط قرار می‌گیرد (رسش‌گرا بودند). بر همین اساس گزل نیز مانند روسو والدین را به دقت در نیازهای کودکان و هماهنگ شدن با آنها تشویق می‌کرد. به اعتقاد وی اولین سال زندگی بهترین زمان برای احترام گذاشتن به فردیت کودک است. چهره‌ی اصلی جنبش آزمون‌سازی، آلفرد بینه است. بینه به اندازه‌گیری روانی علاقه‌ای ویژه داشت. وی اولین آزمون اندازه‌گیری هوش را به کمک همکاری تئودور سایمون (یا سیمون) ساخت، که به آزمون بینه - سایمون شهرت دارد. ساخت این آزمون تاثیر به‌سزایی بر مطالعه ویژگی‌های کودکان گذاشت و زمینه‌ساز ساخت آزمون‌های دیگر شد.
- جان دیویی: دیویی در فلسفه آموزش و پرورش صاحب نظریه است. وی تحت تاثیر رسوم، کودکان را موجوداتی ذاتا کنجکاو می‌دانسته و بنیان‌گذار نظام کنشی می‌باشد و مکتب او به نام، مکتب شیکاگو شهرت دارد.

نظریه‌های رشد

همان‌گونه که قبلا نیز گفتیم پژوهش در مورد انسان نسبتا جدید است، اما از زمانی که مطالعه تغییرات انسان ذهن متفکرینی مانند داروین، لاک، روسو و غیره را درگیر نمود حدس‌هایی در مورد روندهای مختلف رشدی زده شدند. همراه شدن این حدس‌ها با بررسی‌ها و پژوهش‌های دقیق و علمی منجر به پدید آمدن نظریه‌های رشد شدند. تعریف‌های زیادی برای نظریه ارائه شده است ولی در اکثر محافل علمی، نظریه به صورت مجموعه‌ای از گفته‌ها تعریف می‌شود که برای توصیف و تبیین داده‌ها در زمینه‌ای معین به کار می‌روند. در مجموع نظریه‌های علمی چند فایده اساسی دارند:

- ✓ یافته‌ها را منظم می‌کنند؛ یعنی آنچه را که مشاهده می‌کنیم هدایت کرده و معنی می‌دهند.
- ✓ فرضیه‌های جدیدی برای تحقیق به دست می‌دهند.
- ✓ پیش‌بینی رفتارهای آتی را امکان‌پذیر می‌سازند.
- ✓ پدیده‌ها را تبیین می‌کنند.
- ✓ جهت انجام اقدامات عملی مبانی علمی فراهم می‌آورند.

با اینکه نظریه‌ها تحت تاثیر نظام‌های ارزشی و فرهنگی زمان خود هستند، اما یک فرق اساسی با آنها دارند: باقی ماندن یک نظریه در ادبیات علمی یک رشته نیازمند **اثبات علمی** آن نظریه است؛ یعنی گزاره‌های ارائه شده در آن باید توسط روش‌های پژوهشی مورد تایید و آزمون شوند و یافته‌های آن با گذشت زمان پایدار بمانند.

نظریه‌های رشد روانی تلاش می‌کنند تا نحوه شکل‌گیری و تحول متغیرهای مختلف روانی و رفتاری اعم از انگیزه‌ها، باورها، عواطف، توانمندی‌های شناختی، و غیره را در طول زندگی تبیین نمایند. بسیاری از صاحب نظران حوزه روان‌شناسی رشد، نظریه‌های رشدی را به چهار گروه عمده تقسیم می‌نمایند: نظریه‌های روانکاونه، نظریه‌های یادگیری، نظریه‌های نمو یافتگی و نظریه‌های شناختی (سازشی).

✓ نظریه‌های روانکاوانه بر تحلیل حالات عاطفی و تأثیر آنها بر رفتار انسان توجه می‌کنند و سردمدار این حوزه زیگموند فروید است.
✓ نظریه‌های یادگیری بر نحوه‌ای که انسان اطلاعات و رفتارهای مختلف را یاد می‌گیرد، متمرکزند و سردمدار این حوزه جان بی واتسون است.

✓ نظریه‌های نمو یافتگی به بررسی شکل‌گیری سازمان روانی تحت تاثیر رشد ژنتیکی می‌پردازند و سردمدار این حوزه آرنولد گزل است.

✓ نظریه‌های شناختی به بررسی ماهیت شناخت و جنبه‌های مختلف آن در انسان می‌پردازند و سردمدار این حوزه ژان پیاژه است.
با این حال نظریه‌های بسیار دیگری نیز وجود دارند که به راحتی در یکی از این طبقه‌ها نمی‌گنجند. نظریاتی چون کردارشناسی (رفتارشناسی طبیعی)^۱، بوم‌شناسی^۲ و غیره. در این کتاب با نگاهی معطوف به کنکور دانشگاه‌های سراسری و آزاد به بررسی نظریه‌های مختلف رشد خواهیم پرداخت. اما پیش از مطرح نمودن این نظریات باید بدانید همان‌گونه که در نظرات پیشگامان این حوزه نیز مشاهده کردید تمام آنها در مورد چند موضوع اساسی در رشد موضع‌گیری خواهند نمود: ۱- اینکه رشد فرایندی پیوسته است یا ناپیوسته، ۲- اینکه آیا تنها یک روند رشد وجود دارد یا چندین روند رشدی، ۳- اینکه رشد تحت تاثیر ژنتیک تعیین می‌شود یا تاثیرات محیطی؟ ۴- و اینکه کودک انسان خود نیز نقشی در شکل‌گیری روند رشدش دارد یا نه؟

پیوستگی / ناپیوستگی رشد

بسیاری از نظریه‌پردازان رشد باور دارند که رشد انسان ماهیتی **ناپیوسته** یا **مرحله‌ای** دارد.^۳ هر مرحله شیوه‌ای خاص از تفکر، احساس و رفتار را در یک مقطع مشخص شامل می‌شود و مرحله بعدی به لحاظ **کیفی** با آن متفاوت است و اصولاً ویژگی‌های پیشرفته‌تر و سازمان‌یافته‌تری را شامل می‌گردد. تغییر مراحل به صورت **ناگهانی** انجام می‌پذیرد. در این مفهوم می‌توان رشد انسان را به یک پلکان تشبیه نمود که هر پله آن ویژگی‌های خاص خود را دارد و انسان در مقاطع مختلف زمانی از آنها عبور می‌کند. مراحل شاخصه‌هایی دارند که در زیر به آنها اشاره می‌کنیم:

✓ ترتیب توالی ثابت ← مهم‌ترین شرط مرحله در تحول فرایندهای روانی این است که مراحل باید در تمام دنیا و برای همه انسان‌ها ترتیب و توالی ثابتی داشته باشند. با این حال سن‌های تقریبی مطرح شده در مورد مراحل ممکن است تفاوت‌های جزئی را در جوامع و فرهنگ‌های مختلف نشان دهند.

✓ صفت توحیدی ← تمام خصوصیات و ویژگی‌های مراحل قبلی در مرحله جدید یکپارچه می‌شوند و ویژگی‌های مرحله جدید نیز به آنها اضافه می‌گردد.

✓ هر مرحله دو تراز دارد ← تراز **تهیه (فراهم‌سازی)** و تراز **اتمام**. در تراز تهیه فرایندهای روانی خاصی در یک فاصله زمانی معین گسترش می‌یابند. در تراز اتمام، این فرایندها به تعادل می‌رسند.

✓ ساخت مجموعه‌ای ← در هر مرحله باید مجموعه‌ای از مکانیزم‌های تقریباً هم‌تراز به صورت یک ساخت متشکل در بیایند. تفکیک مراحل از یکدیگر بر اساس همین ساخت‌های مجموعه‌ای صورت می‌پذیرد. ساخت مجموعه‌ای نشانه رسیدن به تعادل در یک مرحله است.

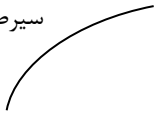
✓ فرایندهای تشکیل‌دهنده هر مرحله می‌تواند از شکل تعادل یافته آن مجزا باشد ← پایه‌های هر مرحله ممکن است در مرحله قبلی ریخته شده باشد، لذا نباید به اشتباه تمام آنچه که در یک مرحله اتفاق می‌افتد، جزو خصوصیات آن مرحله به حساب آورد.
اما برخی دیگر از نظریه‌پردازان بر این باورند که خصیصه‌های رشدی کودکان و بزرگسالان تفاوت کیفی با هم ندارند و تفاوت آنها در مقدار یا پیچیدگی آن خصیصه‌ها می‌باشد. آنها معتقدند که رشد به صورتی **پیوسته** اتفاق می‌افتد و تغییراتی که در تفکر، احساسات و رفتارها اتفاق می‌افتند با افزوده شدن **تدریجی** به توانمندی‌هایی که از ابتدا وجود داشته‌اند رخ می‌دهند. در این مفهوم می‌توان رشد انسان را به یک سطح شیب‌دار تشبیه نمود که انسان آرام آرام از آن بالا می‌رود.

1- Ethology
2- Ecological

۳- در برخی متون مرجع چنین آمده که اگر نظریه‌ای مبتنی بر «رشد» یعنی برنامه سنی مشخص استوار باشد، آن را نظریه مرحله‌ای می‌نامیم.

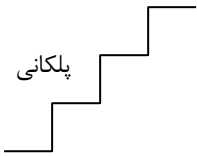
جریان رشد

سیر صعودی



پیوسته: تأکید بر مراحل قبلی (پیشرونده و کمی) است مثل روانشناسان رشد.
(رشد فرآیندی آرام و پیوسته است که افراد به تدریج مهارت‌ها را کسب می‌کنند)

پلکانی



ناپیوسته: بدون توجه به مراحل قبل (کیفی یعنی وابسته نبودن به مراحل قبلی) است مثل روانکاوان.
(وقتی به سطح جدیدی گام بر می‌دارند سریعاً تغییر می‌کنند.)

یک دوره رشد / چند دوره رشد

تقریباً تمام نظریات مرحله‌ای فرض می‌کنند که رشد ماهیتی **جهانشمول** دارد و انسان‌ها در تمام نقاط کره خاکی زنجیره رشدی یکسانی را پشت سر می‌گذارند. با این حال یافته‌های جدید نشان می‌دهند که روندهای رشدی می‌توانند از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از محیطی به محیط دیگر متفاوت باشند.

طبیعت / تربیت

هر نظریه علاوه بر آنکه روند رشد انسان را تشریح می‌کند، به اتیولوژی (علت‌شناسی) این روند نیز توجه می‌کند: آیا ویژگی‌های ژنتیکی هستند که رشد را تعیین می‌کنند یا عوامل محیطی؟ این در واقع همان مجادله قدیمی طبیعت-تربیت است. موضعی که آنها در برابر این دو قطبی اتخاذ می‌کنند، بر اینکه آنها چگونه تفاوت‌های فردی را تبیین می‌کنند اثر می‌گذارد. آنها که معتقد به این هستند که روند رشد تحت تاثیر ژنتیک تعیین می‌شود بر **ثبات** تاکید می‌کنند. اما آنها که بر تاثیرات محیطی باور دارند به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که تجربیات اولیه را به صورتی در نظر می‌گیرند که الگوهای رفتاری مادام‌العمر را شکل می‌دهند و تجربیات بعدی نمی‌توانند این الگوها را تغییر دهند (پیروان ثبات). اما دسته‌ای دیگر بر **انعطاف‌پذیری** روندهای رشدی باور دارند. دسته اخیر باور دارند که اگر تجربه‌های جدید از تغییر حمایت کنند امکان ایجاد آن وجود دارد (پیروان تغییر).

انفعال / فعالیت

برخی نظریه‌پردازان بر این باور هستند که رشد آدمی تنها تحت تاثیر عوامل محیطی یا ژنتیکی رقم می‌خورد و خود فرد هیچ نقشی در روند شکل‌گیری آن ندارد. اما برخی دیگر معتقدند که خود فرد می‌تواند نقشی فعال داشته و روند رشدش را تعیین کند.

پهنه زندگی (چشم انداز عمر): دیدگاهی متعادل

شاید برخی از نظریه‌ها همچنان به صورتی افراطی طرفدار یک جنبه از دوقطبی‌های مطرح شده باشند، اما در دوره‌های اخیر نظر بسیاری از نظریه‌پردازان تعدیل شده است. به عنوان نمونه دیگر کسی نمی‌پرسد که طبیعت رشد را شکل می‌دهد یا تربیت؟ بلکه سوال این است که این دو چگونه در تعامل با یکدیگر روند رشد را رقم خواهند زد؟ و یا برخی از نظریه‌پردازان بر این باورند که هم تغییرات پیوسته و هم تغییرات ناپیوسته رشد را جهت می‌دهند و جانشین یکدیگر می‌شوند.

دیدگاهی که به شکل پیچیده‌تری به بررسی روندهای رشدی و عوامل زیربنایی آنها پرداخته است **دیدگاه عمر** نام دارد. این دیدگاه بر مسیرها و پیامدهای متعدد رشدی تاکید می‌کند و مسیر زندگی را به درختی تشبیه می‌کند که شاخه‌های آن در جهت‌های گوناگون امتداد می‌یابد. چهار فرض اساسی این دیدگاه عبارتند از: ۱- رشد به صورت مادام‌العمر، ۲- رشد به صورت کاملاً شکل‌پذیر، ۳- رشد به صورت چندبعدی^۱ و چندجهتی^۲، و ۴- رشد به صورت چندموقعیتی

1- Multidimensional

2- Multidirectional

رشد به صورت مادام‌العمر

نظریه‌پردازان دیدگاه عمر بر این باورند که هیچ یک از دوره‌های سنی از نظر تأثیری که بر روند رشد می‌گذارند برتر نیستند. از نظر آنها در هر دوره‌ای تغییر در سه حوزه جسمانی، شناختی و اجتماعی رخ می‌دهد و همه دوره‌ها تأثیر برابری در تعیین روند نهایی رشد دارند. این دوره‌ها کاملاً مستقل از یکدیگر نیستند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند.

✓ رشد جسمانی ← تغییرات در اندازه، تناسب، ظاهر بدن، عملکرد دستگاه‌های بدن، قابلیت‌های حرکتی و سلامت جسمانی رخ می‌دهد.

✓ رشد شناختی ← تغییرات در توانایی‌های ذهنی مانند حافظه، توجه، حل مساله، تخیل، خلاقیت، دانش علمی، دانش روزمره و زبان رخ می‌دهد

✓ رشد اجتماعی ← تغییرات در ارتباطات هیجانی، خودشناسی، آگاهی از دیگران، مهارت‌های میان‌فردی، دوستی‌ها و روابط صمیمانه و استدلال و رفتار اخلاقی رخ می‌دهد.

رشد به صورت کاملاً شکل‌پذیر

بسیاری از نظریه‌پردازان رشد نظریات خود را با رسیدن به دوران نوجوانی به اتمام رسانده‌اند و سهمی برای تغییرات رشدی در دوران بعدی قائل نیستند، اما نظریه‌پردازان دیدگاه عمر تأکید دارند که رشد در تمام سنین **کاملاً شکل‌پذیر است** و امکان تغییر روند آن وجود دارد. آنها حتی شکل‌پذیری در دوران کهنسالی را نیز ممکن می‌دانند و برای روشن ساختن پتانسیل تغییرات رشدی مستمر در طول عمر، از استعاره **پروانه** سود می‌جویند. با این حال آنها نیز قبول دارند که هنگامی که توانایی و فرصت برای تغییر کاهش می‌یابد، شکل‌پذیری رشد نیز به تدریج کاهش می‌یابد.

رشد به صورت چندبعدی و چندجهتی

اکثر نظریه‌های رشدی رشد انسان در یکی از ابعاد روانی، اجتماعی، یا زیستی را مورد توجه قرار داده‌اند، اما دیدگاه عمر با اتخاذ رویکردی زیستی - روانی - اجتماعی رشد را به صورتی **چندبعدی** مورد توجه قرار می‌دهد. نظریه‌پردازان دیدگاه عمر مطرح می‌کنند که روند رشد انسان همچنین می‌تواند جهت‌های مختلفی نیز به خود بگیرد و به جای اینکه لزوماً حالت افزایشی داشته باشد به صورت دوره‌های پیشرفت و افول جلوه‌گر شود. این **چندجهتی** بودن حداقل به دو صورت قابل مشاهده است: یکی اینکه انرژی و توان انسان ممکن است در هر یک از برهه‌های زندگی صرف بالنده ساختن یک مهارت یا ویژگی خاص شود، مثلاً در مقطعی رشد چشمگیری را در مهارت‌های تحصیلی فرد مشاهده کنیم و در مقطع دیگر استعداد ورزشی وی در حال رشد و پرورش باشد. دوم اینکه یک خصیصه رشدی خاص نیز لزوماً در یک جهت مشخص رشد نمی‌کند. به عنوان نمونه هوش سیال انسان تا حدود ۱۴ سالگی رشد می‌کند، سپس به حالت تعلیق در می‌آید و از حدود ۲۰ سالگی به بعد آرام آرام افت می‌کند.

رشد به صورت چندموقعیتی

روند رشدی انسان از سه موقعیت عمده تأثیر می‌پذیرد:

✓ تأثیرات مربوط به سن: برخی از تغییراتی که در مسیر رشد انسان اتفاق می‌افتند قویاً به سن وابسته هستند و کاملاً می‌توان پیش‌بینی کرد که چه زمانی رخ خواهند داد و چه مدتی ادامه خواهند یافت. برخی از این تغییرات تحت تأثیر رخدادهای زیستی مانند بلوغ در حدود ۱۵/۱۰ سالگی، یائسگی بانوان در حدود ۵۰/۴۰ سالگی و برخی دیگر تحت تأثیر رخدادهای اجتماعی مانند شروع مدرسه از ۷ سالگی، یا وارد شدن به دانشگاه در حدود ۱۸ سالگی می‌باشند.

تأثیرات مربوط به تاریخ

روند رشد می‌تواند تحت تأثیر رخدادهایی قرار گیرد که در یک دوره تاریخی خاص رخ می‌دهند. انقلاب‌ها، جنگ‌ها، جنبش‌های اجتماعی مانند برابری‌خواهی بانوان و دموکراسی خواهی، نمونه‌هایی از تأثیرات مربوط به تاریخ هستند. در ادبیات روان‌شناسی رشد از این تأثیرات تحت عنوان اثرات **همدوره** یاد می‌شود که نشان می‌دهد چرا افرادی که در یک مقطع زمانی خاص پرورش یافته‌اند ویژگی‌های نسبتاً مشابه به هم و متفاوت با نسل‌های قبل و بعد خود را بروز می‌دهند.

تأثیرات غیر هنجاری

اصطلاح **هنجاری** یعنی متوسط یا معمولی. تأثیرات مربوط به سن و مربوط به تاریخ هنجاری هستند، زیرا هر یک بر تعداد زیادی از افراد به شیوه‌ای یکسان تأثیر می‌گذارند. اما در زندگی هر یک از ما رخدادهایی اتفاق می‌افتند که نهایتاً ما و چند نفر از اطرافیانمان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو این تغییرات را **غیر هنجاری** می‌خوانند. می‌توان از یک آشنایی اتفاقی با یک شخصیت خاص (مثلاً یک استاد دانشگاه تأثیرگذار، یا کسی که همسر آینده ما می‌شود) یا یک شکستگی شدید در حین یک مسابقه ورزشی که منجر به قطع ورزش حرفه‌ای یک نفر می‌شود، به عنوان نمونه‌هایی از تأثیرات غیر هنجاری نام برد که مسیر زندگی فرد را دگرگون می‌سازند. در پایان لازم است تا مجدداً برخی تعریف‌ها را مرور کنیم تا به تفاوت‌های اصطلاحات مختلفی که در سراسر این کتاب با آنها برخورد می‌کنیم آشنا شویم:

✓ **رشد** عبارت است از تغییرات از پیش تعیین شده‌ی ژنتیکی که مستقل از تأثیرات محیطی است و امکان یادگیری‌های مختلف (کسب توانایی‌های تازه) را برای موجود زنده فراهم می‌کند.

✓ **یادگیری** عبارت است از تغییرات نسبتاً پایداری که ناشی از تجربیات فرد است.

رشد حاصل جمع نمو و یادگیری است که شامل تغییراتی کمی و کیفی است و از زمان لقاح تا مرگ ادامه دارد.

روش‌های تحقیق در روان‌شناسی رشد

۱) در سطح گردآوری داده‌ها:

۱-۱- روش مشاهده: مشاهده را می‌توان از اساسی‌ترین و معتبرترین روش‌هایی دانست که در بیشتر رشته‌های علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

الف) مشاهده طبیعی: بررسی رفتار در شرایط طبیعی زندگی را مشاهده طبیعی گویند.

ب) مشاهده ساخت‌دار: بررسی رفتار در موقعیت‌هایی که توسط آزمایشگر سازماندهی شده‌اند و شکل بررسی آزمایشگاهی به خود گرفته‌اند.

ج) مشاهده تعاملی: گزارش‌های شخصی را مشاهده تعاملی گویند. گزارش‌های شخصی، ابزارهایی هستند که از شرکت‌کنندگان می‌خواهند به سوال‌هایی در مورد ادراک، افکار، توانایی‌ها، احساس‌ها و تجربه‌های گذشته پاسخ دهند. آنها از مصاحبه‌های بالینی نسبتاً بی‌ساخت (روش پیاژه) تا مصاحبه‌های کاملاً ساخت‌دار، پرسش‌نامه و آزمون‌ها را در بر می‌گیرند.

- مصاحبه:

مصاحبه سازمان‌یافته: در این مصاحبه که آن را می‌توان مصاحبه محدود نیز نامید، مصاحبه‌گر مقید است تا در چارچوب مشخص و معین اطلاعات ویژه‌ای از مصاحبه‌شونده به دست آورد.

✓ **مصاحبه آزاد:** در این نوع مصاحبه هیچ قید و شرطی وجود ندارد.

- پرسش‌نامه:

پرسش‌نامه را می‌توان نوعی مصاحبه دانست که براساس هدف خاصی تنظیم و تدوین شده است. در این روش به جای آنکه از افراد به طور جداگانه مصاحبه به عمل آید، پرسش‌ها را تدوین، در مجموعه‌ای تکثیر کرده و در اختیار آزمودنی قرار می‌دهند.

- **روش بالینی:** یک روش منعطف بین مشاهده ساده و مصاحبه از پیش تعیین شده است. به عبارت دیگر بررسی آزمودنی درگیر در یک فعالیت، از دو زاویه مشاهده واکنش‌ها و مصاحبه درباره برداشت وی از آنچه انجام می‌دهد، صورت می‌گیرد. دامنه سوال‌ها باز است و سوال بعدی برحسب پاسخ قبلی کودک شکل می‌گیرد.

۱-۲- شرح حال نویسی:

شرح حال نویسی برای درک کردن و پی بردن به حالات و تمایلات آزمودنی به کار می‌رود. در شرح حال نویسی فرد وادار می‌شود که درباره خود بیندیشد. این روش در مورد کودکانی به کار می‌رود که بتوانند بخوانند و بنویسند.

۱-۳- بررسی فراتحلیلی:

به تحلیل آماری مجموعه‌ای از نتایج پژوهشی پیش‌تر انتشار یافته می‌پردازند، تا به نتایجی دست یابند.

۱-۴- روش آزمایشی:

در این روش غالباً از دو گروه آزمایشی و گواه استفاده می‌شود. گروه آزمایشی افرادی هستند که اثرات متغیر مستقل روی آنها مطالعه می‌شود. گروه گواه افرادی هستند که دارای کیفیات گروه آزمایشی بوده اما تحت متغیر مستقل قرار نمی‌گیرند.

۱-۵- روش تکوینی: مطالعه جریان رشد و نمو را روش تکوینی می‌گویند.

۱-۶- روش بررسی فرهنگ:

قوم‌نگاری: مانند روش بالینی عمدتاً توصیفی و کیفی است. اما این روش به جای آنکه آگاهی از یک فرد واحد را در نظر داشته باشد، می‌خواهد فرهنگ یا یک گروه اجتماعی مشخص را بشناسد. روش قوم‌نگاری از طریق مشاهده مشارکت‌کننده‌ها به هدف خود می‌رسد.

۲) در سطح بررسی تغییرات تحولی:

۲-۱- طرح طولی:

یک گروه آزمودنی، بارها در سنین مختلف بررسی می‌شوند و زمانی که آزمودنی‌ها بزرگ می‌شوند، تغییرات آنها مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲-۲- طرح مقطعی:

جهت دستیابی به تفاوت‌ها در جریان تحول، کودکان سنین مختلف در یک نقطه زمانی معین مورد آزمایش قرار می‌گیرند.

۲-۳- بررسی تطبیقی برهه‌های متوالی (طولی - زنجیره‌ای)

علت اینکه این طرح زنجیره‌ای نامیده شده است این است که از زنجیره‌ای از نمونه‌ها تشکیل شده (دو یا چند گروه سنی) که هر یک به مدت چند سال به صورت طولی دنبال می‌شوند.

۳) در سطح بررسی شکل‌گیری طرح بنیادی:

- طرح مبتنی بر همبستگی: بررسی اینکه در چه سطحی، تغییراتی که در یک متغیر به وقوع می‌پیوندد با تغییرات متغیر دیگر همبسته است، در این طرح صورت می‌گیرد. این همبستگی و رابطه، رابطه علت و معلول نیست.

- طرح آزمایشی (تجربی): پژوهشگر در یک یا چند متغیر دخل و تصرف به عمل می‌آورد تا بداند چه تاثیری بر متغیر وابسته دارد.

- طرح مبتنی بر تک بررسی (مورد پژوهی): پژوهشگر به بررسی عمقی یک یا چند نفر در یک دوره زمانی معین می‌پردازد.

جدول ۱-۱: نقاط قوت و ضعف روش‌های پژوهش رایج

روش	شرح	نقاط قوت	نقاط ضعف
مشاهده نظم			
مشاهده طبیعی	مشاهده رفتار در موقعیت‌های طبیعی	زندگی روزمره آزمودنی‌ها را منعکس می‌کند.	نمی‌تواند شرایطی را که آزمودنی‌ها تحت آن مورد مشاهده قرار می‌گیرند کنترل کند.
مشاهده ساخت‌دار	مشاهده رفتار در آزمایشگاه که شرایط برای همه آزمودنی‌ها یکسان هستند.	به هر آزمودنی برای آشکار ساختن رفتار مورد علاقه فرصت برابری می‌دهد.	ممکن است نحوه رفتار آزمودنی‌ها در زندگی روزمره را روشن نسازد.
گزارش‌های شخصی			
مصاحبه بالینی	روش مصاحبه انعطاف‌پذیر که به موجب آن پژوهشگر اطلاعات کاملی از افکار آزمودنی به دست می‌آورد.	تا حد امکان به نحوه‌ای که آزمودنی‌ها در زندگی روزمره فکر می‌کنند نزدیک است. در مدت زمان کوتاهی می‌توان اطلاعات زیادی را به دست آورد.	ممکن است آزمودنی‌ها اطلاعات دقیقی را در اختیار نگذارند. روش‌های انعطاف‌پذیر، مقایسه پاسخ‌های افراد را مشکل می‌سازند.
مصاحبه ساخت‌دار	ابزارهای خودسنجی که در آنها از هر شرکت‌کننده سوال‌های یکسانی را به روش یکسان می‌پرسند.	مقایسه پاسخ‌های آزمودنی‌ها و گردآوری اطلاعات مناسب را امکان‌پذیر می‌سازد. پژوهشگران می‌توانند گزینه‌های پاسخی را مشخص کنند که شاید آزمودنی‌ها در مصاحبه باز پاسخ به آنها فکر نکرده باشند.	به اندازه مصاحبه بالینی اطلاعات عمیق در اختیار نمی‌گذارد. پاسخ‌ها باز هم در معرض گزارش‌های نادرست قرار دارند.
روش بالینی یا موردپژوهی			
	با ترکیب کردن مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و نمرات آزمون تصویر کاملی از عملکرد روان‌شناختی فرد به دست می‌آید.	درباره عواملی که بر رشد تاثیر می‌گذارند آگاهی غنی و توصیفی تامین می‌کند.	امکان دارد که ترجیحات نظری پژوهشگران اطلاعات را تحریف کنند. یافته‌ها را نمی‌توان در مورد افرادی غیر از آزمودنی به‌کار برد.
قوم‌نگاری			
	آگاهی از یک فرهنگ یا گروه اجتماعی خاص از طریق مشاهده آزمودنی پژوهشگر با یادداشت‌برداری میدانی می‌کوشد از ارزش‌ها و فرآیندهای اجتماعی منحصر به فرد آن فرهنگ آگاه شود.	از روش مشاهده، مصاحبه یا پرسش‌نامه، توصیف دقیق‌تر و کامل‌تری را در اختیار می‌گذارد.	ارزش‌ها و ترجیحات نظری پژوهشگران می‌توانند اطلاعات را تحریف کنند. یافته‌ها را نمی‌توان به افراد و موقعیت‌های دیگر غیر از آنچه که مورد مطالعه قرار گرفته است تعمیم داد.

برگرفته از کتاب لورا. ای. برک، ترجمه یحیی سید محمدی

برگرفته از کتاب لورا. ای. برک، ترجمه یحیی سید محمدی

جدول ۱-۲: نقاط قوت و ضعف طرح‌های پژوهشی

طرح	شرح	نقاط قوت	نقاط ضعف
عمومی			
همبستگی	پژوهشگر اطلاعاتی را درباره آزمودنی‌ها به دست می‌آورد بدون اینکه تجربیات آنها را تغییر دهد.	بررسی ضوابط بین متغیرها را امکان‌پذیر می‌سازد.	امکان نتیجه‌گیری درباره روابط علت و معلولی را فراهم نمی‌آورد.
آزمایشی	پژوهشگر از طریق گمارش تصادفی آزمودنی‌ها در شرایط آزمایشی، متغیر مستقل را دستکاری کرده و تاثیر آن را بر متغیر وابسته بررسی می‌کند. می‌توان آن را در آزمایشگاه یا محیط طبیعی اجرا کرد.	امکان نتیجه‌گیری درباره روابط علت و معلولی را فراهم می‌آورد.	هنگامی که در آزمایشگاه اجرا شود ممکن است یافته‌ها به دنیای عملی تعمیم نیابند. در آزمایش‌های میدانی، کنترل کردن برخورد آزمایشی معمولاً ضعیف‌تر از آزمایشگاه است. در آزمایش‌های طبیعی یا شبه آزمایش، فقدان گمارش تصادفی، دقت پژوهش را به مقدار زیادی کاهش می‌دهد.
مخصوص رشد			
طولی	پژوهشگر گروه یکسانی از آزمودنی‌ها را بارها در سنین مختلف بررسی می‌کند.	امکان بررسی الگوهای مشترک و تفاوت‌های فردی در رشد و روابط بین رویدادهای قبلی و بعدی و رفتارها را فراهم می‌آورد.	به خاطر تاثیرات خارج شدن آزمودنی‌ها از تحقیق، تمرین و اثر همدوره، تغییرات مرتبط با سن ممکن است تحریف شوند.
مقطعی	پژوهشگر گروه‌هایی از آزمودنی‌ها را که از لحاظ سن تفاوت دارند در مقطع زمانی یکسانی بررسی می‌کند.	از طرح طولی کارآمدتر است. تحت تاثیر مشکلاتی از قبیل خارج شدن آزمودنی‌ها از تحقیق و تمرین قرار ندارد.	امکان بررسی گرایش‌های رشد فرد را فراهم نمی‌آورد. تفاوت‌های سنی ممکن است به خاطر اثر همدوره تحریف شوند.
زنجیره‌ای	پژوهشگر چند تحقیق مقطعی یا طولی مشابه را در زمان‌های مختلف بررسی می‌کند.	امکان مقایسه‌های طولی و مقطعی را فراهم می‌آورد. اثر همدوره را آشکار می‌سازد.	ممکن است همان مشکلات راهبردهای طولی و مقطعی را داشته باشد. ولی این طرح به خودی خود به مشخص کردن مشکلات کمک می‌کند.

برگرفته از کتاب لورا. ای. برک، ترجمه یحیی سید محمدی

سوالات چهارگزینه‌ای فصل اول

- ۱- روان‌شناسی رشد:

(الف) رفتار نامطلوب را تغییر می‌دهد.
(ب) پیش‌بینی رفتار را ممکن سازد.
(ج) کنترل رفتار را تغییرناپذیر می‌کند.
(د) رشد و نمو در همه مردم را یکسان می‌داند.

(سراسری - ۷۶)
- ۲- چگونگی رشد و تکامل شخصیت انسان:

(الف) قابل پیش‌بینی نیست.
(ب) از محیط متأثر نمی‌شود.
(ج) در همه افراد یکسان انجام می‌گیرد.
(د) از تفاوت‌های فردی متأثر می‌شود.

(سراسری - ۷۶)
- ۳- چه کسی اعتقاد داشت که دوران کودکی شبیه به تکرار مراحل تکامل است؟

(الف) داروین
(ب) ویلهلم وونت
(ج) استانی‌هال
(د) ژان پیاژه

(آزاد ۷۸ - ۸۱)
- ۴- نظریه استانی‌هال چه نظریه‌ای است؟

(الف) اجتماعی
(ب) رشدی
(ج) تکوینی
(د) مرحله‌ای

(آزاد ۷۸ - ۸۱)
- ۵- اصطلاح «رشد» به تغییرات منظمی گفته می‌شود که در نتیجه..... حاصل می‌شود.

(الف) محیط
(ب) یادگیری
(ج) تربیت
(د) رشد جسمی

(سراسری ۸۱)
- ۶- پدر روان‌شناسی کودک چه کسی بود؟

(الف) پیاژه
(ب) روسو
(ج) گزل
(د) فروید

(آزاد - ۸۲)
- ۷- کدام‌یک از اندیشمندان زیر معتقد بود که انسان ذاتاً سالم و خوب به دنیا می‌آید؟

(الف) فروید
(ب) روسو
(ج) پیاژه
(د) اریکسون

(سراسری ۸۲)
- ۸- هدف روان‌شناسی رشد عبارت است از:

(الف) توصیف، تشریح، پیش‌بینی و تفسیر رفتارها
(ب) بررسی چگونگی انعقاد نطفه و تبدیل آن به فرد کامل
(ج) مطالعه علمی رفتار و فرایندهای ذهنی انسان
(د) مطالعه چگونگی تغییر اشخاص و ثبات برخی ویژگی‌های آنها

(سراسری ۸۳)
- ۹- تفاوت رشد جسمی با پختگی این است که رشد یعنی بزرگ شدن و پختگی یعنی.....

(الف) حالات بهنجار و رفتار
(ب) کسب توانایی‌های تازه
(ج) دگرگونی‌های تدریجی در جسم
(د) توانایی راه رفتن و سخن گفتن

(سراسری ۸۳)
- ۱۰- دیدگاه گشتالت در مورد رشد جزء کدام دسته از نظریه‌هاست؟

(الف) تحولی
(ب) ژنتیک
(ج) رشد داخلی
(د) غیرژنتیک

(سراسری ۸۴)
- ۱۱- کدام‌یک از فرایندهای زیر شامل تغییرهای کم و بیش پیش‌بینی‌پذیر در رفتار همراه با افزایش سن می‌شود؟

(الف) پیری
(ب) رشد
(ج) طبیعت در مقابل تربیت
(د) دوره بحرانی

(آزاد - ۸۴)
- ۱۲- اگر نظریه‌ای مبتنی بر «رشد» یعنی برنامه سنی مشخص استوار باشد آن را نظریه..... می‌نامیم.

(الف) پردازش اطلاعات
(ب) تکاملی
(ج) محیط‌گرا
(د) مرحله‌ای

(سراسری ۸۷)
- ۱۳- کدام‌یک از مفاهیم رشدی برگرفته از اندیشه‌های ژان‌ژاک روسو بوده است؟

(الف) نقش‌پذیری
(ب) سرمشق‌گیری
(ج) رشد زیستی
(د) دلبستگی

(سراسری ۸۸)
- ۱۴- کدام عبارت در مورد نظریه‌های "مرحله‌ای" در رشد صادق است؟

(الف) الگوی رشد به فرهنگ وابسته است.
(ب) برنامه زیستی رشد قابل پیش‌بینی است.
(ج) الگوی رشد وابسته به محیط است.
(د) برنامه زیستی رشد به هدف رشد وابسته است.

(سراسری ۸۹)

- ۱۵- براساس تاریخچه روان‌شناسی رشد، پیشکسوتان ابتدای قرن بیستم چه کسانی بودند؟
(الف) پیازه، گزل، والن
(ب) فروید، استانلی هال، بهینه
(ج) پیازه، ویگوتسکی، اریکسون
(د) فروید، بهینه، گزل
(سراسری ۹۰)
- ۱۶- کدام نظریه پرداز، فلسفه کودک مداری را در رشد کودکان پایه‌گذاری کرد؟
(الف) پیازه
(ب) جان لاک
(ج) ژان ژاک روسو
(د) استانلی هال
(سراسری ۹۱)
- ۱۷- کدام نظریه پرداز، فلسفه کودک مداری را پایه‌گذاری کرد و معتقد بود که بزرگسالان در همه مراحل رشد باید پذیرای نیازهای کودک باشند؟
(الف) ماریا مونته سوری
(ب) جان لاک
(ج) آرنولد گزل
(د) ژان ژاک روسو
(سراسری ۹۲)
- ۱۸- در کدام نظریه، تحول به صورت پیوسته است؟
(الف) روان تحلیل‌گری
(ب) شناختی تحولی پیازه
(ج) پردازش اطلاعات
(د) اجتماعی - فرهنگی ویگوتسکی
(سراسری ۹۲)
- ۱۹- طرفداران مدارس گشوده در آموزش و پرورش کودکان باورهای ژان ژاک روسو را با اندیشه‌های در هم آمیخته‌اند.
(الف) جان دیویی
(ب) جروم برونر
(ج) توماس هابز
(د) جان لاک
(آزاد ۸۰)
- ۲۰- وقتی کودکان سنین مختلف را در یک زمان معین مورد مطالعه قرار می‌دهیم، از کدام روش تحقیق بهره می‌گیریم؟
(الف) عرضی (مقطعی)
(ب) موردی
(ج) طولی
(د) مشاهده طبیعی
(سراسری ۸۲)
- ۲۱- برای مطالعه تحول (ثبات و تغییر) ویژگی مانند نوع دوستی و ارتباط آن با سایر متغیرها استفاده از کدام روش مناسب‌تر است؟
(الف) عرضی (مقطعی)
(ب) طولی
(ج) آزمایشی
(د) همبستگی
(سراسری ۸۲)
- ۲۲- روش آموزش کودک از طریق عمل و تجربه را چه کسی مطرح کرد؟
(الف) هال
(ب) دیویی
(ج) اسکینر
(د) اریکسون
(سراسری ۸۲)
- ۲۳- یکی از امتیازهای روش مطالعه عرضی است.
(الف) صرفه‌جویی در زمان
(ب) متعادل بودن نمونه‌ها
(ج) مطالعه رشد در طول زمان
(د) ارزیابی تداوم رفتارها
(سراسری ۸۳)
- ۲۴- هدف (روان‌شناسی رشد) عبارت است از:
(الف) توصیف، تشریح، پیش‌بینی و تغییر رفتارها
(ب) بررسی چگونگی انعقاد نطفه و تبدیل آن به فرد کامل
(ج) مطالعه علمی رفتار و فرآیندهای ذهنی انسان
(د) مطالعه چگونگی تغییر اشخاص و ثبات برخی ویژگی‌های آنها
(سراسری ۸۳)
- ۲۵- وقتی مجموعه‌ای از پژوهش‌هایی را که پیش‌تر انتشار یافته‌اند مورد پردازش قرار می‌دهیم از چه روشی استفاده کرده‌ایم؟
(الف) روش تعاملی
(ب) روش فراتحلیلی
(ج) روش مشاهده طبیعی
(د) روش مشاهده ساخت‌دار
(سراسری ۸۴)
- ۲۶- در کدام یک از روش‌های تحقیق می‌توان به رابطه علی بین متغیرها دست یافت؟
(الف) آزمایشی
(ب) مشاهده
(ج) مصاحبه
(د) بالینی
(سراسری ۸۴)

پاسخنامه سوالات چهارگزینه‌ای فصل اول

۱- گزینه ب صحیح است.

در مجموع نظریه‌های علمی (از جمله نظریه‌های رشد) چند فایده اساسی دارند: یافته‌ها را منظم می‌کنند؛ یعنی آنچه را که مشاهده می‌کنیم هدایت کرده و معنی می‌دهند.

فرضیه‌های جدیدی برای تحقیق به دست می‌دهند.

پیش‌بینی رفتارهای آتی را امکان‌پذیر می‌سازند.

پدیده‌ها را تبیین می‌کنند.

جهت انجام اقدامات عملی مبانی علمی، فراهم می‌آورند.

۲- گزینه د صحیح است.

درست‌ترین گزینه، "گزینه د" می‌باشد اما در مورد موضوع مورد سوال مجادله‌های بسیاری وجود دارد. مجادله یک دوره رشد / چند دوره رشد، به این مساله مربوط بوده و دانشمندان مختلف نظرات مختلفی را در این باب مطرح می‌کنند. با این حال تقریباً اکثر دانشمندان به وجود تفاوت‌های فردی در روند رشد اذعان دارند.

۳- گزینه ج صحیح است.

چارلز داروین، در راستای مطالعاتی که جهت ارائه نظریه تکامل خود انجام داد، با تاکید بر اهمیت مشاهده علمی در جمع‌آوری داده‌ها اقدام به ثبت روزانه روند رشد فرزندان خود کرد و به نوعی سبب‌ساز شکل‌گیری این اندیشه شد که رشد کودک انسان از همان برنامه کلی تکامل گونه انسان پیروی می‌کند.

حال تحت تاثیر نظریات چارلز داروین اعلام نمود که پدیدآیی فردی بازنمای پدیدآیی نوعی است. یعنی نوزاد انسان در طی دوره‌های رشدی خود از کودکی به بزرگسالی مراحل مشابهی از تاریخ تحول انسانی را پشت سر می‌گذارد.

۴- گزینه ج صحیح است.

استانلی هال، تحقیقات خود را بر پایه روان‌شناسی تکوینی بنا نمود و به اصول زیستی بیشتر توجه کرد و جنبه‌های مختلف رشد را از دوره کودکستان تا دانشگاه مورد بررسی قرار داد. نظریه هال نظریه‌ای تکوینی است و تحولات فرد را تکراری از تحولات نوع می‌داند. در این نظریه بالطبع نوجوانی به دلیل نزدیک بودن به بالاترین مرحله تحول نوع، مقام ممتازی را می‌یابد، حال آنکه کودکی مربوط به مرحله ابتدایی تحولات نوع است.

۵- گزینه د صحیح است.

۶- گزینه ج صحیح است.

از آرنولد گزل به عنوان پدر روان‌شناسی کودک یاد می‌شود.

۷- گزینه ب صحیح است.

روسو بر خلاف لاک اعتقاد داشت که نوزاد انسان موجودی شریف و رام نشده است و در وی حس تشخیص درست و غلط به ودیعه گذاشته شده است. به اعتقاد وی طبیعت طوری آنها را برنامه‌ریزی کرده است که مثبت رشد کنند. روسو بر این عقیده استوار بود که تمام صفات خوب ذاتی هستند و به صورت طبیعی در فرد رشد می‌کنند و هر اقدامی از سوی بزرگسالان برای آموزش و یاد دادن به کودکان تنها مداخله‌ای بیجا در رشد آنان است که سبب به انحراف کشیده شدن درک اخلاقی فطری آنها می‌شود. او برای توصیف این وضعیت از اصطلاح وحشی‌های بزرگوار استفاده نمود.

۸- گزینه ب صحیح است.

سوال اندکی ابهام داشته و ممکن است در نگاه نخست به این نتیجه برسیم که چند گزینه آن درست است. بر طبق تعریف روان‌شناسی رشد شاخه‌ای از روان‌شناسی است که به مطالعه علمی تغییرات مختلف جسمانی، روانی، عاطفی، هیجانی، شناختی، و رفتار اجتماعی انسان، از لحظه انعقاد نطفه تا مرگ می‌پردازد. لذا درست‌ترین گزینه، "گزینه ب" است.

گزینه الف جامع نیست و فقط به رفتارهای آشکار اشاره کرده است.

گزینه ج تعریف عام روان‌شناسی است.

گزینه د تغییرات پیش از تولد را شامل نمی‌شود

۹- گزینه ب صحیح است.

رسش عبارت است از تغییرات از پیش تعیین‌شده‌ی ژنتیکی که مستقل از تأثیرات محیطی است و امکان یادگیری‌های مختلف (کسب توانایی‌های تازه) را برای موجود زنده فراهم می‌کند.

۱۰- گزینه د صحیح است.

عبارت ژنتیک به پدیدآیی و تحول فرایندهای روانی اشاره دارد و نزدیک‌ترین معادل برای آن اصطلاح "تحولی" می‌باشد. پس در این معنی، روان‌شناسی ژنتیک یا تحولی به مساله مبنا و تحول توجه دارد، که در روان‌شناسی گشتالتی مورد توجه نیست.

۱۱- گزینه ب صحیح است.

۱۲- گزینه د صحیح است.

۱۳- گزینه ج صحیح است.

نظرات روسو دو مفهوم بسیار مهم در رشد را مطرح نمود که در آینده به تفصیل به آنها خواهیم پرداخت:

مرحله ← شیوه‌ای خاص از تفکر، احساس، و رفتار را در یک مقطع زمانی مشخص

رسش (پختگی/ نمو یافتگی/ نشو و نمای عصبی - اندامی/ بالیدگی) ← تغییرات منظم و از پیش برنامه‌ریزی شده ژنتیکی که به طور طبیعی در فرایند رشد ظاهر می‌شوند و قابلیت یادگیری‌های جدید را در فرد به‌وجود می‌آورند.

۱۴- گزینه ب صحیح است.

تقریباً تمام نظریات مرحله‌ای فرض می‌کنند که رشد ماهیتی جهانشمول دارد و انسان‌ها در تمام نقاط کره خاکی زنجیره رشدی یکسانی را پشت سر می‌گذارند. پس می‌توان روند تغییرات را بر طبق یک الگوی مورد انتظار پیش‌بینی نمود. اولین کسی که بیان نمود رشد بر اساس برنامه زمانی زیستی و به گونه‌ای درونزاد پیش می‌رود، ژان ژاک روسو بود. به این ترتیب برای نخستین بار با تصویری از رشد روبرو می‌شویم که نسبتاً مستقل از تأثیرات محیط است. شخصیت کودکان را دیگر صرفاً نیروهای بیرونی از قبیل آموزش بزرگسالان و تقویت‌های اجتماعی، شکل نمی‌دهند. آنها عمدتاً با اتکا بر خود و بر احساس طرح طبیعت رشد می‌کنند و یاد می‌گیرند. این طرح را رسش زیستی (پختگی و بلوغ بیولوژیک) می‌نامند.

۱۵- گزینه الف صحیح است.

فروید، گزل و والن را باید نخستین پیشگامان روان‌شناسی ژنتیک در ابتدای قرن بیستم نامید، اما کسی که این حوزه را گسترش داد و آن را به علم تحول فرایندهای روانی تبدیل کرد پیازه است. بر این مبنا درست‌ترین گزینه، گزینه ۱ است.

۱۶- گزینه ج صحیح است.

فلسفه روسو کودک مداری بود که به موجب آن بزرگسالان باید پذیرای نیازهای کودک باشند.

۱۷- گزینه د صحیح است.

روسو چند اندیشه مهم را به نظریه رشد افزوده است: ۱- روسو این عقیده را مطرح کرد که رشد بر اساس برنامه زمانی زیستی و به گونه‌ای درونزاد پیش می‌رود. به این ترتیب برای نخستین بار با تصویری از رشد روبرو می‌شویم که نسبتاً مستقل از تأثیرات محیط است. شخصیت کودکان را دیگر صرفاً نیروهای بیرونی از قبیل آموزش بزرگسالان و تقویت‌های اجتماعی، شکل نمی‌دهند. آنها عمدتاً با اتکا بر خود و بر احساس طرح طبیعت رشد می‌کنند و یاد می‌گیرند. این طرح را رسش زیستی (پختگی و بلوغ بیولوژیک) می‌نامند. ۲- روسو مطرح کرد که رشد، طی مجموعه‌ی مراحل صورت می‌گیرد که در جریان آنها کودکان جهان را به شیوه‌هایی متفاوت تجربه می‌کنند. کودکان با بزرگسالان فرق دارند. نه به این علت که آنها لوح سفیدی هستند که به تدریج درس‌های بزرگسالان را فرا می‌گیرند، بلکه به علت اینکه در هر مرحله الگوهای فکری و رفتاری کودک، دارای ویژگی‌های خاص خود اوست. ۳- روسو فلسفه جدیدی را درباره تعلیم و تربیت ارائه کرد که امروزه آن را فلسفه کودک - محوری (child - centered) می‌نامیم. او می‌گفت همواره بر اساس سن یادگیرنده با او رفتار کنید و منظورش این بود که باید درس‌های خود را با سن و سال کودک انطباق دهیم. با چنین روشی کودکان خواهند توانست بر اساس تجربه و قوای شناختی خود درباره مسائل قضاوت کنند.

۱۸- گزینه‌های ج و د صحیح هستند.

مواضع نظریه‌های اصلی در مورد موضوعات بنیادی رشد انسان:

۱- نظریه‌های نمو یافتگی یا نشو و نمای عصبی. اندامی مانند (maturationism)، نظریه‌های گزل و والن. تحقق تدریجی رفتار ارثی بر اساس ویژگی‌های کروموزوم‌ها، از پیش تعیین شدگی. تحول ناپیوسته است (دارای مراحل) اما مراحل به شکل لحظه‌های پی در پی وجود دارند.

۲- نظریه روان تحلیلی، روان پویایی (روان‌کاوی): psycho- dynamic و روانی - اجتماعی (psycho- social): تأکید بر موضع تعاملی توقعات اجتماعی همراه با تجهیزات زیست شناختی، تحول ناپیوسته است. دارای مراحل است، امکان واپس روی به مراحل وجود دارد.

- ۳- نظریه رفتارگرایی و یادگیری اجتماعی: نقش محیط مهمتر از نقش وراثت بوده و تحول پیوسته است. رشد افزایش در رفتارهای آموخته شده را شامل می‌شود.
- ۴- نظریه رشدی- شناختی پیاژه: تعامل بین فرد و محیط، نقش فعال آزمودنی، بناسدنی نگری، تعادل‌جویی. تحول از دیدگاه منصور، در دیدگاه پیاژه، از نظر ساختاری ناپیوسته و از نظر کنشی پیوسته است. به طور کلی در رشد ناپیوسته، بر مراحل رشد شناختی تأکید می‌شود.
- ۵- نظریه خبرپردازی (پردازش اطلاعات) Information processing: مبنای درونی ساخت‌ها و فرآیندها اهمیت تجربه در تحقق واقعی عملیات. رشد پیوسته است. تحول در حکم اکتساب ساخت‌های موثرتر است.
- ۶- نظریه اجتماعی- فرهنگی (بافتاری Ecology): مثل نظریه ویگوتسکی تعامل بین بافت اجتماعی و ساخت‌های زیست‌شناختی می‌باشد. تحول پیوسته بوده و در برگرنده تبادلهای بین فرد و محیط است. کودکان از طریق تعامل با اعضای خبره جامعه، به تدریج مهارت‌هایی را فرا می‌گیرند که از لحاظ فرهنگی انطباقی هستند.
- ۷- نظریه‌های کردارشناسی: (Ethology): رشد هم پیوسته و هم ناپیوسته است. کودکان و بزرگسالان به تدریج دامنه وسیع‌تری از رفتارهای انطباقی را پرورش می‌دهند.
- ۸- نظریه سیستم‌های بوم شناختی: پیوسته بودن یا ناپیوسته بودن رشد مشخص نشده است.
- ۹- دیدگاه عمر: رشد هم پیوسته و هم ناپیوسته می‌باشد و پیشرفت‌ها و زوال‌های پیوسته، به علاوه پیدایی مرحله‌ای مهارت‌های جدید در تمام دوره‌های سنی روی می‌دهند.
- ۱۹- گزینه الف صحیح است.
- با توجه به اینکه روسو کودک را ذاتا خوب می‌دانست، دیویی نیز که متأثر از وی بود، کودک را ذاتا کنجکاو می‌دانست. طرفداران مدارس گشوده با ترکیب این دو عقیده مدرسی را بنیان نهادند که مبنای آموزش و پرورش در آنها آزادی دانش‌آموزان براساس فطرت پاک آنها بود.
- ۲۰- گزینه الف صحیح است.
- روش مقطعی (عرضی) زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که به منظور دستیابی به تفاوت‌ها در جریان تحول کودکان سنین مختلف در یک نقطه زمانی معین آزمایش انجام شود. با این روش، تفاوت رفتارهای سنین مختلف را سریع‌تر می‌توان مشخص کرد. این روی‌آورد نسبت به روی‌آورد طولی بیشتر مقرون به صرفه است.
- ۲۱- گزینه ب صحیح است.
- در پژوهش‌های طولی، عده معینی از آزمودنی‌ها به صورت مکرر در یک دوره یا طی چندین سال مورد آزمایش قرار می‌گیرند.
- ۲۲- گزینه ب صحیح است.
- ۲۳- گزینه الف صحیح است.
- در روش مطالعه عرضی، گروه‌هایی از افراد که از نظر سن فرق دارند، در مقطع زمانی یکسان بررسی می‌شوند. چون آزمودنی‌ها فقط یک بار ارزیابی می‌شوند، پژوهش از مشکلاتی چون خارج شدن آزمودنی‌ها با آثار تمرین میرا می‌باشد.
- ۲۴- گزینه الف صحیح است.
- منظور از توصیف رفتار، مشخص کردن رفتارهای مختلف کودکان برای ارضاء نیازهای مختلف است. توضیح رفتار نیز به انجام رفتار می‌پردازد و پیش‌بینی نیز شامل مشخص نمودن نتایج رفتارها در طول زندگی می‌باشد.
- ۲۵- گزینه ب صحیح است.
- به تحلیل آماری مجموعه‌ای از نتایج پژوهش‌های قبلی روش فراتحلیل گفته می‌شود.
- ۲۶- گزینه الف صحیح است.
- در روش آزمایشی (تجربی) که مهم‌ترین ویژگی آن کنترل می‌باشد، به دلیل اینکه کلیه عوامل و متغیرها تحت کنترل قرار می‌گیرند هر نتیجه‌ای به دست آید، می‌توان آن را ناشی از روابط علی بین متغیرهای مورد پژوهش دانست.

فصل دوم

روانکاوی فروید

- ◆ نظریات روان تحلیلی
- ◆ انگیزش ناهشیار (پویش های روانی)
- ◆ ساختارهای شخصیت
- ◆ مراحل رشد روانی - جنسی

فصل دوم

روانکاوی فروید

نظریات روان تحلیلی

نظریه رشد روانی - جنسی فروید:

روان تحلیل گری اولین نظام تحولیست که در مجامع پزشکی زمان خود و با نگاه درمانگری مطرح گشته است. این نظام از طریق مطالعه‌ی موردی یا تک بررسی‌هایی که زیگموند فروید بر **بیماران هیستریک** خود صورت داد شکل گرفت. وی اولین الگوی تحولی یا رشدی نظام‌دار در زمینه رشد عاطفی و روانی انسان را ارائه داد^۱. واژه‌ی هیستری هم برای عوارض جسمی و هم برای اختلالات حافظه که برای آنها هیچ توجیه فیزیولوژیکی وجود ندارد به کار برده می‌شود. فروید در کار با بیماران خود به جای هیپنوتیسم روش تداعی آزاد را ابداع کرد که در آن به بیمار توصیه می‌شود جلوی افکار خود را نگیرد و هر آنچه را که به ذهنش می‌آید بیان کند. البته فروید پی برد که این روش نوین هم کاملاً آزاد نیست؛ زیرا بیماران در مقابل این جریان به شدت مقاومت به خرج می‌دهند و برخی موضوعات را بیان نمی‌کنند. فروید نام این گسیختگی‌ها را در جریان افکار مقاومت نامید و آن را به عنوان دلیلی برای نیروی واپس‌زنی در ذهن دانست.

دیدگاه جنجال‌برانگیز فروید درباره انسان با این فرض که تحت تاثیر انگیزه‌ها و تضادهایی هستیم که کاملاً از آنها ناآگاهیم و اینکه بنیان‌های شخصیت از سال‌های ابتدایی کودکی پی‌ریزی می‌شوند، در چپه جدیدی را به سوی علم تحلیل انسان گشود. وی پس از مدت‌ها تردید بین دو اصطلاح روان ترکیب‌گری و روان تحلیل‌گری سرانجام به دلیل اهمیت تحلیل، نام روش خود را روان تحلیل‌گری^۲ نامید.

قبل از آنکه به بحث در مورد نظریه رشد روانی - جنسی فروید بپردازیم بهتر است مفاهیم اساسی و کلی نظریه وی را معرفی کنیم.

غرایز

به عقیده فروید، همه جنبه‌های شخصیت انسان از غرایز بیولوژیک مشتق می‌شوند. وقتی نیازهای بدنی ارضا می‌شوند، انسان احساس لذت می‌کند؛ وقتی یک یا چند نیاز ارضا نمی‌شوند، فرد احساس تنش می‌کند. بنابراین، انگیزه اصلی انسان‌ها کاستن از تنش، اجتناب از درد و کسب لذت است؛ چیزی که فروید آن را **اصل لذت** نامید.

غرایز زندگی و مرگ: فروید اساساً تحت تاثیر نظریه تکامل داروین بود. در فرمول‌بندی ابتدایی خود دو طبقه از غرایز را معرفی کرد: غرایز صیانت ذات (تخریب)، غرایز صیانت نوع (غرایز جنسی). در واقع دو مفهوم همانند با نظریه انتخاب طبیعی داروین: انتخاب بر اساس بقا و انتخاب بر اساس تولید مثل.

۱- البته باید بدانید که روان تحلیل‌گری پیش از آنکه معرف یک نظام روانی باشد، یک روش یا یک الگوی درمانگری است.

فروید بعدها دو غریزه صیانت ذات و صیانت نوع را با یکدیگر ادغام کرد و آن را غریزه زندگی نامید. همه غرایزی که با زنده ماندن ربط دارند **غرایز زندگی**^۱ نام دارند و انرژی روانی که با آنها متداعی است، **کلاً لیبیدو**^۲ (زیست‌مایه) نامیده می‌شود. در ابتدا، فروید لیبیدو را با انرژی جنسی معادل دانست، اما با انبوه‌تر گشتن شواهد مخالف و به علت انتقاد شدید از سوی دیگران، او این مفهوم را گسترش داد تا انرژی متداعی با همه غرایز زندگی، از جمله برقراری رابطه جنسی، گرسنگی و تشنگی را در بر گیرد. آخرین عقیده فروید این بود که انرژی لیبیدویی برای طولانی‌تر کردن زندگی مصرف می‌شود. فروید معتقد است انرژی روانی از قانون پایداری انرژی پیروی می‌کند، یعنی میزان انرژی‌ای که فرد دارا می‌باشد در طول زندگی ثابت است. به اعتقاد وی تغییرات شخصیت فرد حاصل تغییر مسیر دادن انرژی روانی اوست.

✓ فروید به کل غرایز زندگی **اِروس**^۳ نیز می‌گفت.

فروید شاهد رویدادهای وحشتناک جنگ جهانی اول بود و بر این اساس وی ایده غریزه مرگ را مطرح کرد. **غریزه مرگ**^۴، که **تاناتوس**^۵ نیز نام دارد، فرد را برانگیخته می‌کند تا به حالتی برگردد که قبل از زندگی وجود داشته است. مهمترین شق غریزه مرگ، که گاهی به آن آرزوی مرگ^۶ نیز گفته می‌شود، پرخاشگری است. به عقیده فروید، پرخاشگری^۷ عبارت است از نیاز به خود-تخریبی که به سمت بیرون و موضوعات و اشیایی به غیر از خود فرد معطوف شده است. فروید بر این باور بود که بی رحمی، قتل و سایر انواع پرخاشگری، از غریزه مرگ مشتق می‌شوند.

فروید دو اصطلاح غریزه‌ی مرگ و غریزه‌ی زندگی را به‌عنوان دو **سائق (کشاننده / رانه)**^۸ بزرگ که یکی فرد را به فعالیت و سازندگی و هم‌جوشی فرا می‌خواند و دیگری او را به رکود و نیستی می‌کشاند معرفی کرد. این دو کشش بنیادی در فرد به درجات مختلف همسو یا برابر حرکت می‌کنند و سوگیری عاطفی فرد را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. بنابر اهمیت این کشاننده‌ها یا غریزه‌ها این نظریه را نظریه کشاننده‌ای نیز می‌نامند.

انگیزش ناهشیار (پویش‌های روان)

بر اساس نظریه فروید، ذهن انسان شامل سه بخش می‌باشد: ذهن **هوشیار** بخشی است که شامل افکار، احساسات و ادراکاتی است که ما در لحظه از آن آگاه هستیم. هر چیزی که شما در حال حاضر فکر یا ادراک می‌کنید، در ذهن هوشیارتان قرار دارد. اما خاطرات، رویاها و افکاری وجود دارند که شما می‌توانید به راحتی و تقریباً هر زمان که بخواهید به خاطر بیاورید. مثلاً لباسی که دیروز پوشیدید،

- 1- Life instincts
- 2- Libido
- 3- Eros
- 4- Death instinct
- 5- Thanatos
- 6- Death wish
- 7- aggression
- 8- Drive

هر سائق^۴ مولفه یا عنصر دارد: منبع، نیروی محرک (نیروی رانشگر)، هدف و ابژه (شیء/ موضوع). به طور کلی، منظور از منبع یک سائق بخشی از بدن است که آن سائق از آن‌جا برمی‌خیزد و بخش زیست‌شناختی سائق را تشکیل می‌دهد. در واقع، منبع سائق کمبود بدنی است. نیروی رانشگر سائق مفهومی کمی است و نشان‌دهنده‌ی میزان نیرو یا انرژی است که آن تحریک غریزی برای انجام کار فراهم می‌کند. هدف سائق بیانگر هرگونه کنشی است که برای ارضای آن سائق یا فرونشاندن تنش حاصل از تحریک غریزی به کار گرفته می‌شود. در واقع، هدف هر سائقی ارضا شدن آن است که از طریق کاستن از میزان تحریک و انرژی نهاده‌شده بر منبع سائق قابل‌تحقق است. تنش ایجاد شده در منبع سائق از طریق تخلیه، یعنی جریان یافتن انرژی به طرف خارج، ناپدید می‌شود. تخلیه‌ای که در حقیقت ارضای کشاننده را به دنبال دارد. منظور از/بژه شخص یا شی‌ای است که این کنش برای ارضاشدن به آن معطوف می‌شود؛ و وجود ابژه است که امکان رهاسازی تنش را فراهم می‌کند. این مولفه متغیرترین و شخصی‌ترین مولفه سائق است، چه انسان می‌تواند اشخاص و اشیاء (موضوعات کشاننده‌ای) بسیار متنوعی را جهت ارضا نمودن یک سائق واحد انتخاب نماید.

از نظر فروید تجلی روانی کشاننده است که در طراز روانی فرد تاثیرگذار است، نه خود کشاننده به خودی خود. این تجلی روانی از تجسم کشاننده‌ای و عاطفه کشاننده‌ای ترکیب شده است:

✓ تجسم کشاننده‌ای تشکیل دهنده جنبه کیفی مولفه کشاننده‌ای است در حدی که با اثر حسن درونی (تصویری که اساساً بصری است) تجربه کامیابی مطابقت دارد.

✓ عاطفه کشاننده‌ای عبارت است از حالت هیجانی و طنین عاطفی همراه با تجسم کشاننده‌ای (مانند خشم، شادی، غم، ترس...) که هم جنبه کمی دارد، هم کیفی.

دوست سال دوم راهنمایی تان و مواردی از این قبیل. این بخش از ذهن **پیش‌هوشیار**^۱ نامیده می‌شود، هرگونه اطلاعاتی که در حال حاضر به آنها فکر نمی‌کنید، اما به راحتی می‌تواند وارد هوشیاری شود، چیزهایی هستند که در پیش‌هوشیار قرار دارند.

ناهوشیار سومین بخش و بر اساس نظر فروید وسیع‌ترین بخش ذهن انسان می‌باشد. بر طبق استعاره خود فروید، اگر ذهن انسان را به یک کوه یخ تشبیه کنیم، هوشیاری تنها قسمت بالایی سطح آب است، یعنی نوک کوه یخ. ناهوشیار قسمت بزرگتر و نادیدنی زیر سطح آب است و نظریه روان‌کاوی روی این سطح تمرکز دارد. اعماق وسیع و تاریک ناهوشیار مخزن غرایز است. ناهوشیار نیروی سوق‌دهنده در پس تمام رفتارها را شامل می‌شود، نیروهایی که نمی‌توانیم آنها را ببینیم یا کنترل کنیم. طبق این دیدگاه علت تمام شکل‌های نشانه‌ها و رفتارهای روان‌رنجور، فرایندهای ناهوشیار هستند.

نیازها و انگیزه‌هایی که دست یافتنی نیستند در ناهوشیار جای می‌گیرند. همچنین ناهوشیار، تمام خاطرات، تجربیات و موضوعات سرکوب شده را ذخیره می‌کند. ناهوشیار در کنترل اراده نیست و به قوانین منطقی، زمان و مکان محدود نمی‌شود. محتویات ناهوشیار، برحسب زمان وقوع رویدادها تنظیم نمی‌شوند و با گذشت زمان نیز از بین نمی‌روند.

ساختارهای شخصیت

نظریه روان‌تحلیلی شخصیت، به توصیف این پدیده می‌پردازد که افراد هنگام روبرو شدن با محدودیت‌های جامعه متمدن، چگونه با غرایز پرخاشگرانه و جنسی خود مواجه می‌شوند. غرایز جنسی و پرخاشگری، اغلب منجر به برانگیختگی و تحریک می‌شوند، که با قوانین اجتماع و واقعیت در تضاد است. قسمتی از ذهن این خواسته‌ها را ایجاد می‌کند، قسمت دیگر دارای آن چیز است که جامعه از ما انتظار دارد و قسمت دیگر در تلاش است تا بین خواسته‌ها و محدودیت‌های اجتماع و واقعیت تعادل ایجاد کند. این سه بخش را که در تعامل با یکدیگر کار می‌کنند تا تعادل بین خواسته‌ها و واقعیت را برقرار سازند، ایگو و سوپر ایگو نامید.

اید (نهاد / بن): مخزن انرژی روانی (قطب کسانندگی روان)

نهاد سیستم ابتدایی و **نخستین ساختار شخصیت** است. در آغاز، همه چیز در نهاد خلاصه می‌شود؛ یعنی هنگام تولد شخص سراپا نهاد است. نهاد، منبع اصلی انرژی روانی کل^۲ و جایگاه غرایز و هرآنچه از راه **وراثت** منتقل می‌شود است. این پایگاه، **محل استقرار عناصر ناهوشیار** فطری (عناصری که هیچگاه هوشیار نبوده‌اند) و اکتسابی (عناصری که قبلاً هوشیار بوده‌اند و سپس واپس‌رانده شده‌اند) است. بنابراین بخش تاریک یا سیاه‌چال شخصیت می‌باشد. نهاد، معرف بخش عمیق و دست نیافتنی شخصیت است و اطلاعات مربوط به آن را با تحلیل رویا و تحلیل انواع رفتارهای روان‌رنجورانه کسب می‌کنیم. اید، هیچ‌گونه داد و ستدی با دنیای خارج ندارد، بلکه **واقعیت روانی حقیقی** است.

درون اید را امیال غریزی که خواهان **ارضای آنی** می‌باشند پر کرده‌اند. در اید اثری از ارزش‌ها، اصول اخلاقی و منطق نیست. اید، بی‌نظم و کور، پر توقع و مصرّ است. اید، به‌عنوان **دیگ هیجان‌جوشان**، نمی‌تواند تنش را تحمل کند و به نحوی عمل می‌کند که تنش را فوراً تخلیه کند و به وضعیت تعادل بر گردد. پس هدف اید، رهایی فوری از تنش است.

نهاد طبق **اصل لذت**^۳ عمل می‌کند، اصلی که هدف آن کاستن از تنش، اجتناب از درد و کسب لذت است^۴. نهاد غیر منطقی و غیر اخلاقی است و برای ارضا کردن نیازهای غریزی برانگیخته می‌شود. نهاد به هیچ دلیلی - خواه آداب و رسوم یا اخلاق و یا پاره‌ای از خواسته‌های واقعیت - پذیرای درنگ یا تأخیر در ارضا نیست و تنها یک چیز را می‌شناسد: ارضای فوری. نهاد به هیچ وجه از واقعیت آگاه نیست. ما به شکلی ساده‌تر می‌توانیم نهاد را به یک نوزاد تشبیه کنیم؛ هنگامی که نیازهای این نوزاد، ارضا نمی‌شود با تحریکی

۱- در بسیاری از متون روانشناسی از این سطح ذهن به نیمه‌هوشیار نام برده شده است، که البته ترجمه‌ایست غلط از واژه preconscious

۲- فروید معتقد بود که انسان سیستم یا **نظام بسته‌ی انرژی** است. در هر انسانی مقدار ثابتی **انرژی روانی** وجود دارد که فروید آن را **لیبیدو** نامید. فروید معتقد است که این انرژی روانی ماهیتی **مذکر** دارد.

3- pleasure principle

۴- از نظر فروید لذت یعنی کاهش تنش موجود.

وحشیانه جیغ می‌کشد و چنگ می‌زند، اما نمی‌داند که چگونه خود را ارضا کند. تنها شیوه‌ای که نهاد در کوشش برای ارضای نیازهایش قادر به انجام آنها است، در اثر **کنش بازتابی^۱** و نیز تجربه‌ی **کامرواسازی توهمی^۲** یا خیالی شکل می‌گیرد. این دو کنش از طریق فرایندی موسوم به **فرایند اولیه‌ی تفکر^۳** صورت می‌پذیرند؛ به این شرح که نهاد، انرژی را فوراً تبدیل به فعالیت حرکتی می‌کند (مثلاً انقباض مثانه که منجر به ادرار می‌شود). نهاد، بعدها، جنبه دیگری را جایگزین این جنبه از فرایند اولیه تفکر می‌کند. اید، از هر چیزی که تنش را کم می‌کند یک تصویر ذهنی می‌سازد (مثلاً، گرسنگی موجب بازنمایی ذهنی غذا می‌شود) و با تمسک جستن به خیال‌پردازی ذهنی، درصدد رفع خیالی نیازهایش برمی‌آید. رؤیا، مثالی عالی در مورد فرایند اولیه تفکر می‌باشد. نهاد، هیچ وقت پخته نمی‌شود، و به صورت توله‌ی لوس و نر شخصیت باقی می‌ماند. نهاد فکر نمی‌کند، بلکه فقط می‌خواهد یا عمل می‌کند. از آنجا که فرایند اولیه نمی‌تواند در جهت حفظ و بقای کودک کارکردی اساسی ایفا کند، فرایند ثانویه‌ی تفکر ایجاد می‌شود و دومین مؤلفه‌ی شخصیت، یعنی ایگو، را وارد میدان می‌کند.

ایگو(من / خود)^۴

قسمتی از اید (نخستین پایگاه شخصیت که نامتمایز از بدن است)، تدریجاً تحت تأثیر محیط و شرایط تحول، جدا می‌شود و **دومین پایگاه شخصیت** شکل می‌گیرد. ایگو، محصول بی کفایت‌های اید در خدمت‌رسانی به ارگانسیم و حفظ ارگانسیم است. ایگو، یک نظام سازمان‌یافته‌ی **منطقی** است که ادراک، یادگیری، حافظه و غیره را در جهت ارضای نیازها به کار می‌گیرد. ایگو، **مدیر اجرایی شخصیت** است. در حالی که نهاد فقط واقعیت ذهنی را می‌داند، ایگو، تصورات ذهنی را از واقعیت‌های دنیای بیرون متمایز می‌کند و به صورت عملی قادر به ادراک و دستکاری محیط است. ایگو، براساس **اصل واقعیت^۵** عمل می‌کند و ارضای تمایلات غریزی را موکول به یافتن شیء و شیوه‌ی مناسب می‌کند. ایگو از آنجا که به واقعیت آگاه است، تصمیم می‌گیرد که غرایز، چه زمانی و به چه شیوه‌ای می‌توانند به بهترین شکل ارضاء شوند. ایگو، تعیین‌کننده زمان، مکان و اشیاء مورد پذیرش اجتماعی و مناسبی است که تکانه‌های نهاد را ارضاء خواهند کرد. باید توجه داشت که قصد ایگو خنثی کردن تکانه‌های نهاد نیست، بلکه کمک به نهاد است در نیل به کاهش تنش الزامی آن. اگرچه که ایگو، از ارضا شدن نهاد جلوگیری نمی‌کند، با این وجود، مطابق با مقتضیات واقعیت، سعی در **تأخیر** یا **تغییر جهت** آن دارد. از این رو، ایگو سعی می‌کند تا تکانه‌های نهاد را کنترل و تنظیم کند. ایگو در این راه، از **فرایند تفکر ثانوی^۶** استفاده می‌کند که شامل یادگیری، حافظه، برنامه‌ریزی، قضاوت و غیره می‌باشد.^۷

فروید بیان داشت که ایگو تمام انرژی خود را از اید می‌گیرد و رابطه‌ی اید با ایگو را با رابطه اسب و سوار کار مقایسه نمود؛ نیروی حیوانی خام اسب باید از سوی سوارکار، مورد هدایت، رسیدگی و کنترل قرار گیرد؛ وگرنه ممکن است که اسب جهش کند، بدود و سوارکار را بر زمین بزند.

1- reflex action

2- hallucinatory satisfaction

۳- فرایند تفکر غیر منطقی که ماهیت سمبولیک و استعاره‌ی دارد (یعنی یک تصویر یا نماد عینی جایگزین یک ابژه یا ایده‌ی بسیار شارژ شده می‌شود. پس تصویر یا نماد به کار گرفته شده غیر از محتوای ظاهری دارای معنای پنهان نیز هست)، جزء به کل است (یعنی هر جزء یک رویداد معرف کل آن رویداد است)، زمان و مکان در آن معنا ندارد (یعنی بین گذشته، حال و آینده تمایزی وجود ندارد و بین مکان‌های مختلف). در این نوع تفکر فکر کردن معادل عمل کردن است و فرق میان خیال و واقعیت مشخص نیست. انرژی روانی به صورت آزادانه* جریان دارد، یعنی انرژی مربوط به یک ابژه (یا تجسم) به سمت ابژه‌های دیگر [ابژه‌های خنثی] جا به جا می‌گردد. همچنین انرژی‌های مرتبط با رشته افکار و رویدادهای پیچیده در یک فکر متراکم می‌شوند.
*زمانی انرژی را "آزاد" می‌نامیم که بین عاطفه و تجسم وابستگی ضعیفی وجود دارد و زمانی که این وابستگی زیاد باشد انرژی را "در بند" می‌نامیم. در فرایند ثانویه تفکر، انرژی روانی در بند است.

۴- در برخی متون ایگو به "خود" هم ترجمه شده است که البته خود ترجمه‌ی مناسبی برای "self" می‌باشد.

5- reality principle

6- secondary process thinking

۷- با این حال به یاد داشته باشیم که ما با **واپسروی در وظیفه من (regression in the service of the ego)**، می‌توانیم از قید ایگو رها شویم و از تصاویر سیال، احساسی و رویامانند نهاد برای انجام کارهای خلاقانه استفاده کنیم. این درست همان کاری است که هنرمندان برای خلق آثار خود انجام می‌دهند.

اصولاً نقش ایگو وساطت بین خواسته‌های اید، دنیای واقعی و سوپر ایگو (بخش سوم شخصیت که آن را توضیح خواهیم داد) می‌باشد؛ آن هم به طریقی که ضمن ارضای ارگانیسم، نگذارد دنیای واقعی موجب نابودی ارگانیسم شود. البته باید توجه داشت که ایگو تمام این پروسه را هوشیارانه انجام نمی‌دهد بلکه یک **جنبه شناختی** دارد که در سطح هوشیار و پیش‌هوشیار اطلاعاتی راجع به دنیای درونی و بیرونی فراهم می‌آورد و یک **جنبه دفاعی** دارد که هوشیارانه و ناهوشیارانه مکانیزم‌های دفاعی آدمی را سامان می‌دهد.

استحکام شخصیت و حفظ تعادل روانی به توانایی ایگو برای تحمل و مدیریت فشارهایی که از جانب این سه **ارباب جبار**^۱ به آن وارد می‌شود بستگی دارد. ایگو در مواجهه با این فشارها دچار اضطراب می‌شود و در صورتی که این اضطراب از حد توان آن خارج شود فرد دچار نابهنجاری‌های روانی و رفتاری می‌گردد. اضطراب، از تعارض بین نهاد، من و فرامن بر سر کنترل کردن انرژی روانی موجود، به وجود می‌آید و وظیفه‌ی آن هشدار دادن درباره خطر قریب‌الوقوع است. سه نوع اضطراب وجود دارد: **واقعی**^۲،

روان‌رنجور (نوروتیک)^۳ و **اخلاقی**^۴. اضطراب واقعی ترس از خطر ناشی از دنیای بیرونی است؛ و سطح چنین اضطرابی با میزان خطر واقعی متناسب است. اضطراب‌های روان‌رنجور و اخلاقی توسط تهدیدهای وارده به «تعادل قدرت» درون فرد برانگیخته می‌شوند. این اضطراب‌ها به ایگو علامت می‌دهند که اگر تدابیر مناسب چاره‌اندیشی نشوند، خطر ممکن است آنقدر افزایش یابد که ایگو را سرنگون کند. اضطراب نوروتیک، ترس از این است که مبادا غرایز از کنترل خارج شوند. اضطراب اخلاقی، ترس از سوپرایگو است. افرادی که وجدان رشد یافته‌ای دارند، وقتی کاری برخلاف اصول اخلاقی خود انجام می‌دهند، احساس گناه می‌کنند. همان گونه که می‌بینید، مشخصه‌ی این اضطراب‌ها، **منبع** آنها است، نه کیفیت آنها. کار اصلی اضطراب این است که به ایگو هشدار می‌دهد برای رفع خطر و حفظ ارگانیسم باید اقداماتی انجام دهد. در صورتی که ایگو نتواند با روش‌های منطقی و مستقیم اضطراب را کنترل کند به روش‌های غیر مستقیم متوسل می‌شود- یعنی به **رفتار دفاعی**^۵.

سوپرایگو (فرامن / فراخود)^۶

یک بار دیگر، با انشعاب قسمتی از ایگو و بر پایه‌ی حل و فصل عقده‌ی ادیپ، پایگاه جدیدی در سطحی فراتر از ایگو به وجود می‌آید. پایگاهی مستقل که وظایف من را پیچیده‌تر می‌کند. فرامن، تبلور **خواسته‌های اخلاقی** محیط است، که از راه پدر و مادر یا مراجع اخلاقی به سازمان روانی القا شده‌اند و مرزهای رفتار یا نمود شخصیت فرد را مشخص می‌کنند. از این پس، ایگو باید توقعات این پایگاه را نیز مدنظر قرار دهد.

سوپرایگو، **شاخه‌ی قضایی و نقاد شخصیت** است و اصول اخلاقی فرد را در بر دارد. مسأله‌ی اصلی این است که آیا عمل خوب است یا بد، درست است یا غلط. فرامن، به جای واقعیت، بیانگر **حالت آرمانی** است؛ نه برای لذت، بلکه برای **کمال** تلاش می‌کند. فرامن، بیانگر ارزش‌ها و آرمان‌های سنتی جامعه است که والدین، آنها را به کودکان انتقال داده‌اند. وظیفه‌ی آن **جلوگیری** از تکانه‌های نهاد، قانع کردن ایگو به جایگزین کردن اهداف اخلاقی به جای اهداف مصلحت‌اندیشانه (واقع‌بینانه) و تلاش برای کمال است. بنابراین فرامن، به عنوان ساختاری که معیارهای والدین و جامعه را درونی می‌کند، با پاداش‌ها و تنبیه‌های روان‌شناختی ارتباط دارد. فروید با تاکید بر نقش پدر و مادر در رشد شخصیت، بیان می‌کند که رشد سوپرایگو مستقیماً حاصل همانندسازی کودک با والدینش می‌باشد. سوپرایگو در اصل از مجموعه‌ای از پاداش‌ها و تنبیه‌هایی به وجود می‌آید که کودک خردسال آنها را تجربه می‌کند. این تجربه‌ها که منجر به پاداش و تنبیه می‌شوند، به تدریج **درونی سازی (نهادینه)**^۷ می‌شوند. رفتاری که تنبیه می‌شود معمولاً درون **وجدان** فرد جای می‌گیرد و رفتاری که پاداش می‌گیرد جزئی از **ایگوی آرمانی** می‌شود. بنابراین در سوپر ایگو، وجدان، نقش تنبیه‌کننده‌ی افراد

1- tyrannical masters

2- realistic anxiety

3- neurotic anxiety

4- moral anxiety

۵- در فصل مربوط به نظریه آنا فروید به تفصیل به این دفاع‌ها خواهیم پرداخت.

6- superego

7- internalize